

خارج الفقہ

۶-۸-۱۴۰۴ فقہ اکبر ۳

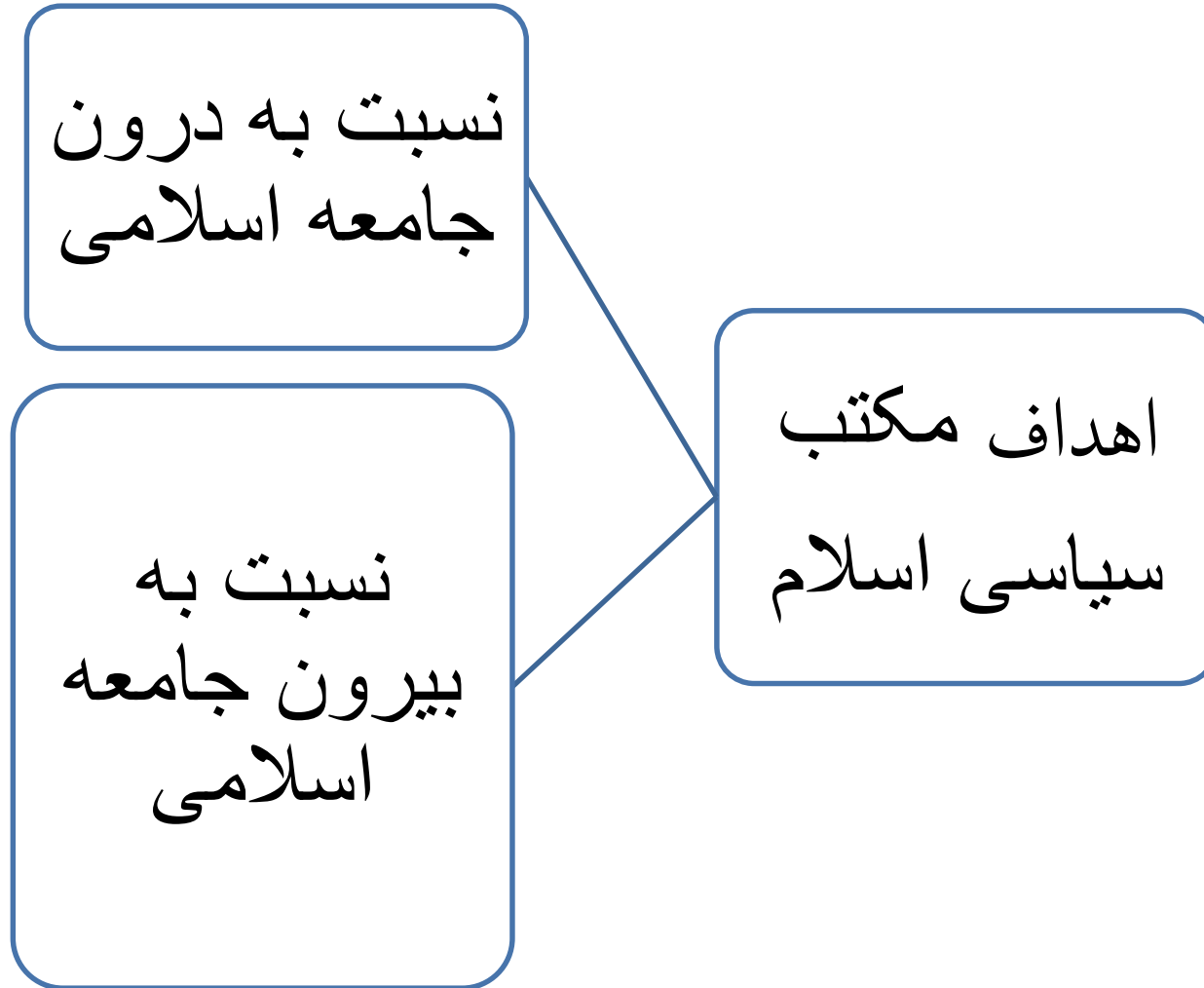
۲۱

(مکتب و نظام سیاسی اسلام)

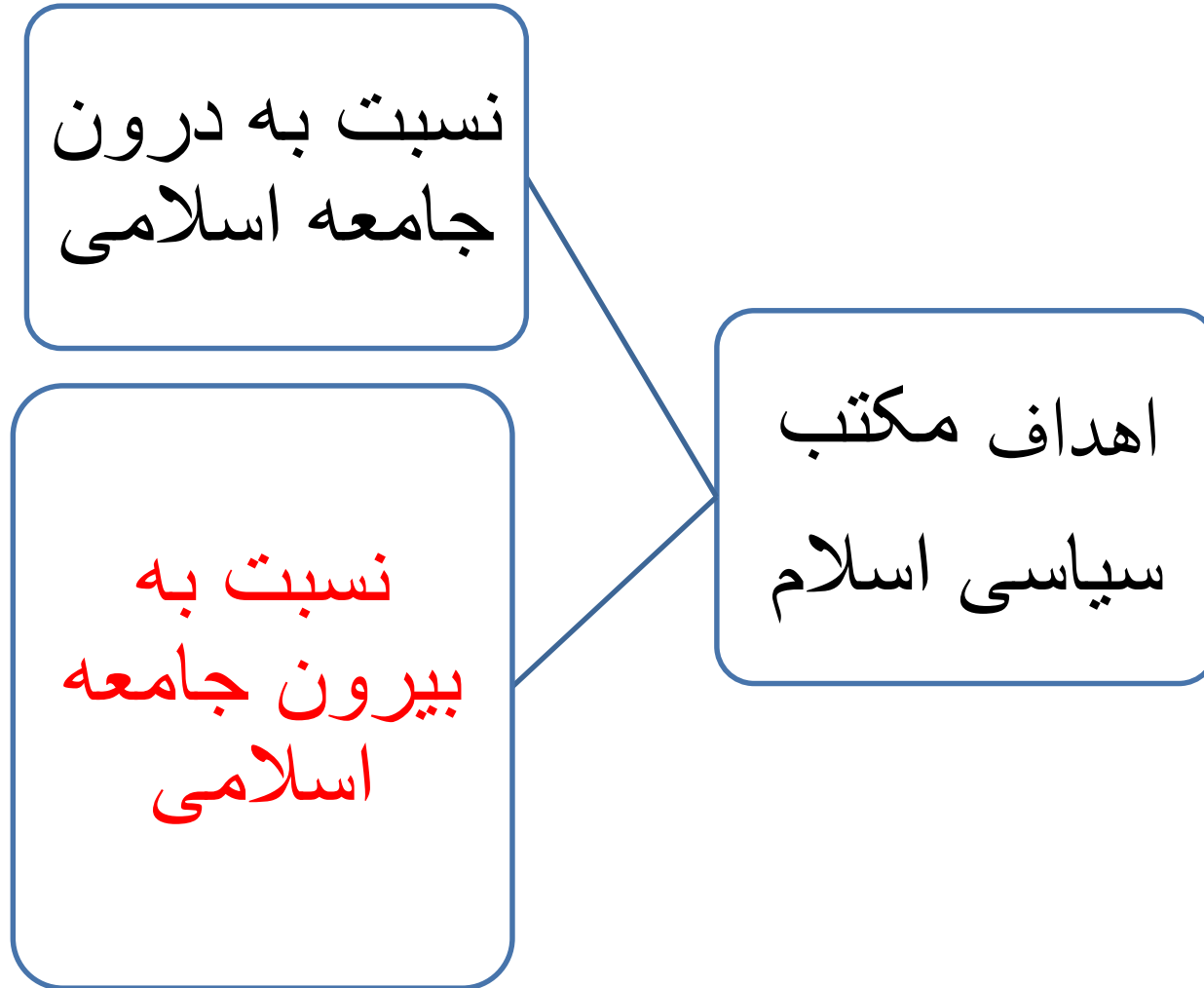
دراسات الاستاذ:

مهدي الهادي الطهراني

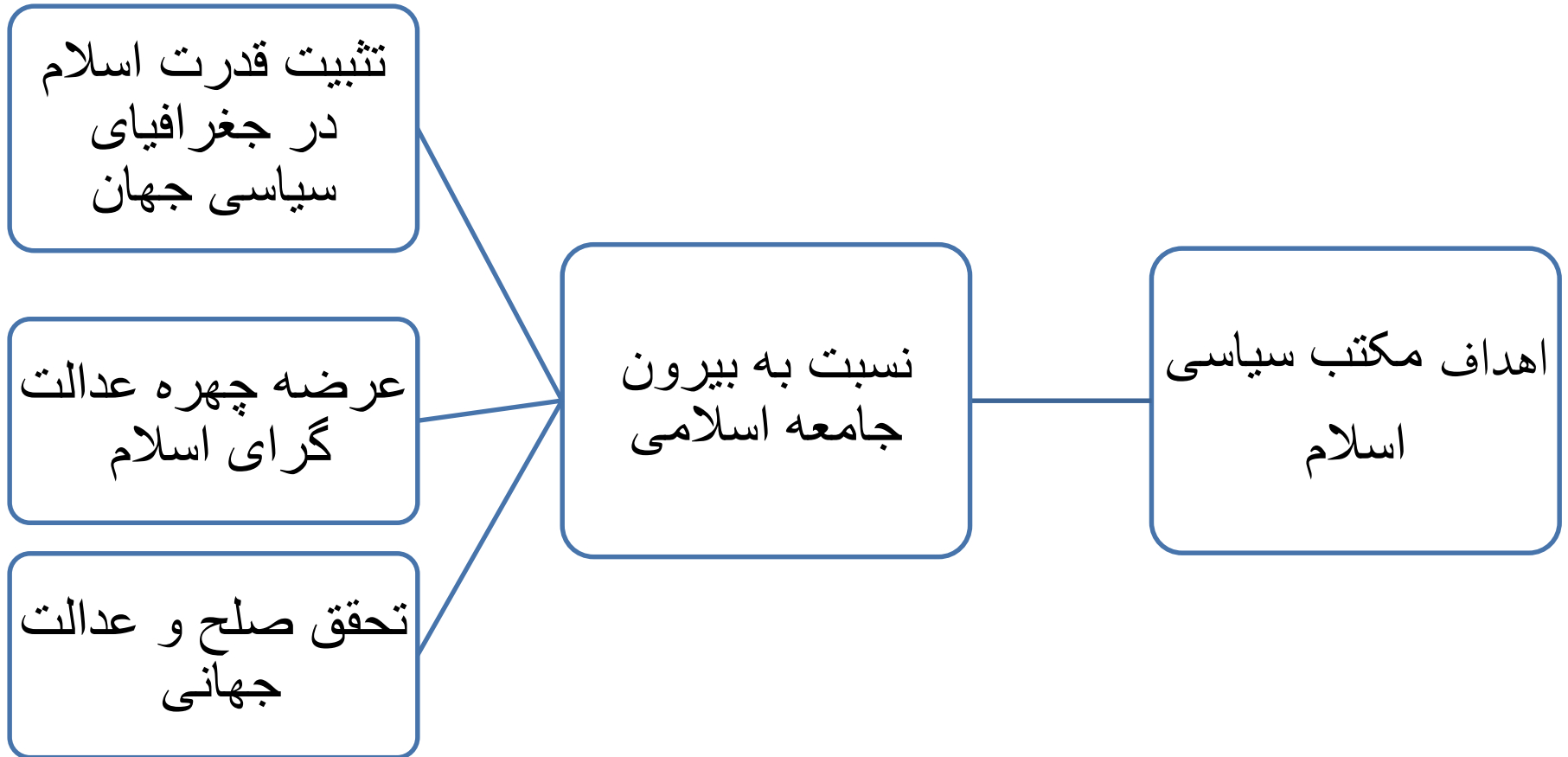
اهداف مكتب سياسى اسلام



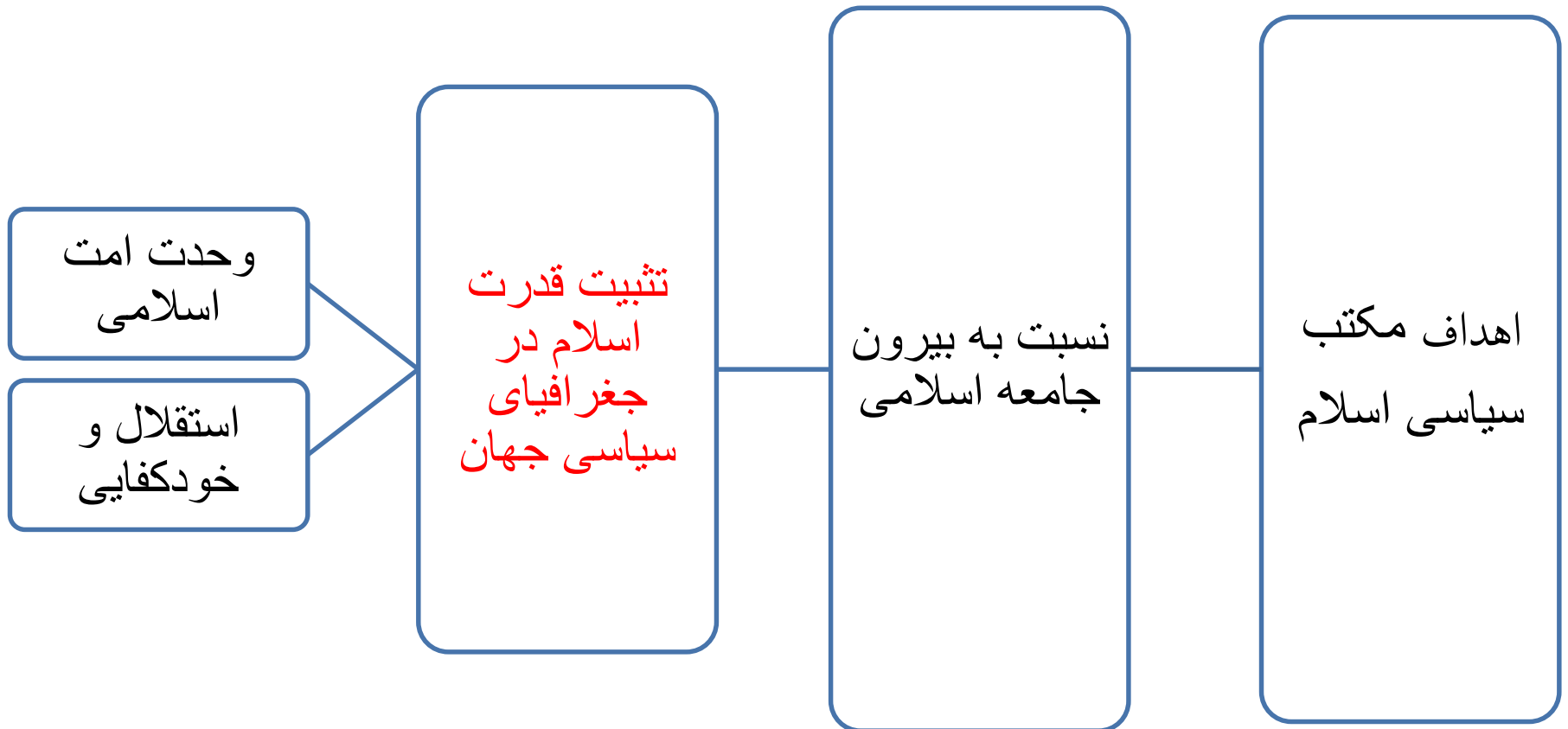
اهداف مكتب سياسي اسلام



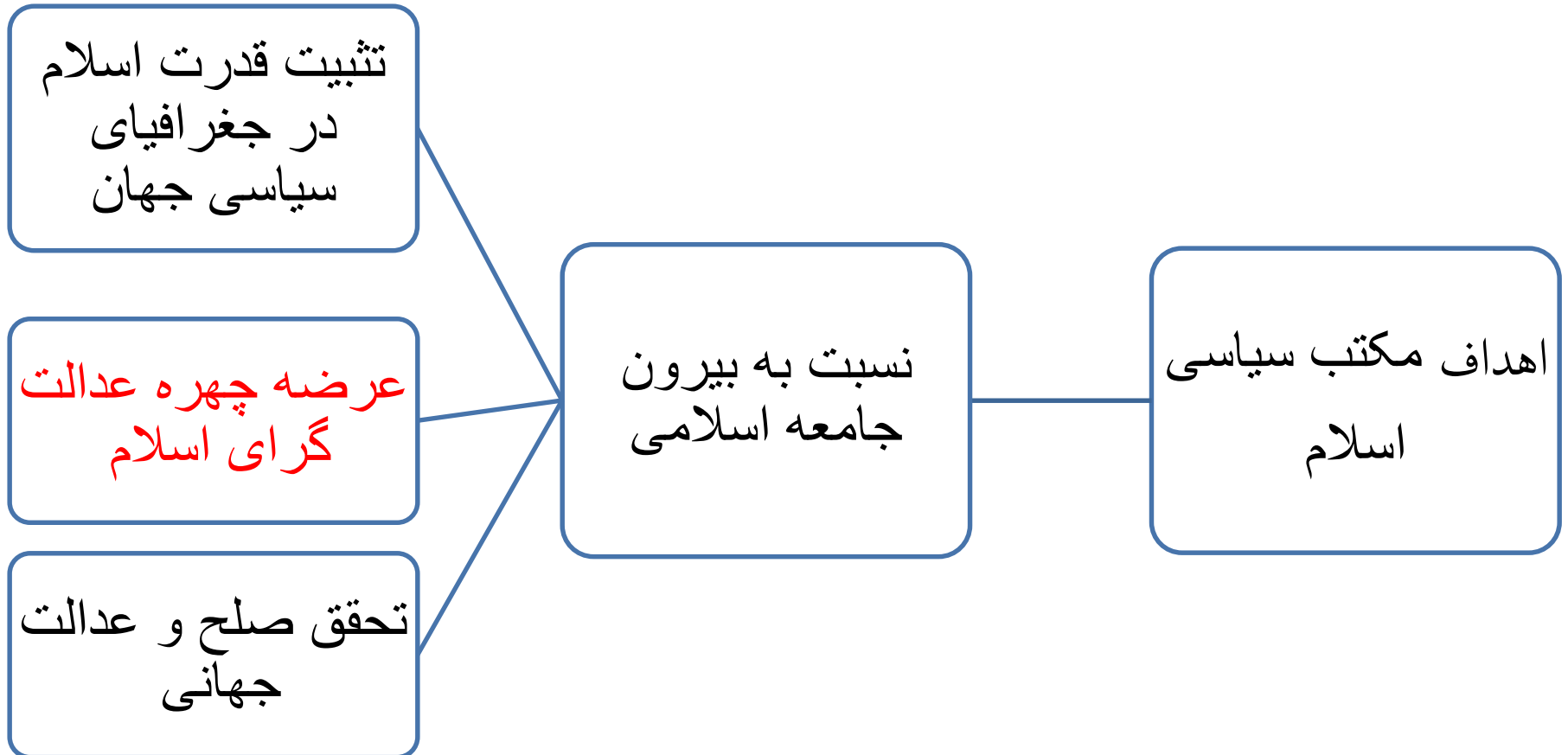
اهداف مکتب سیاسی اسلام



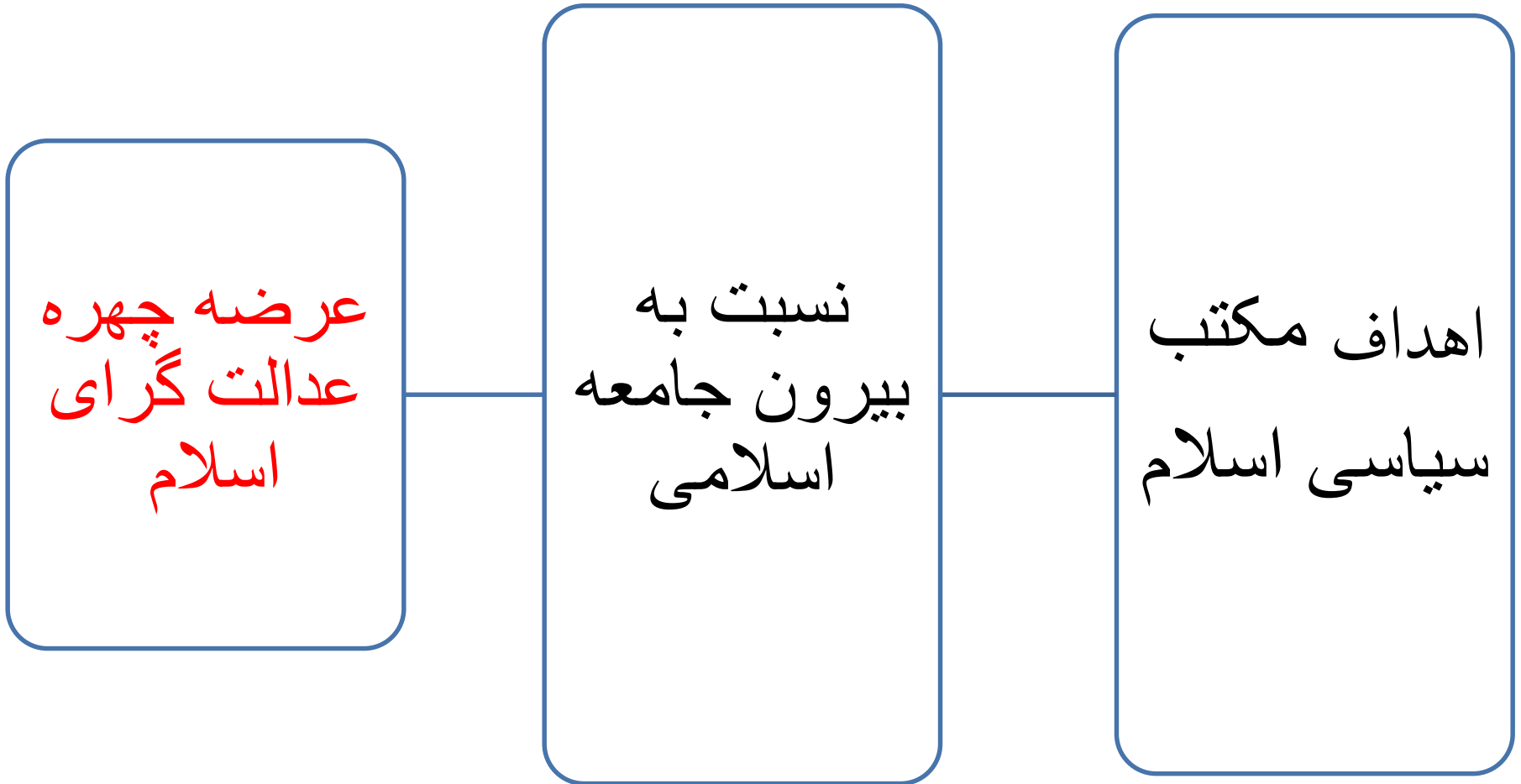
اهداف مکتب سیاسی اسلام



اهداف مکتب سیاسی اسلام



اهداف مکتب سیاسی اسلام



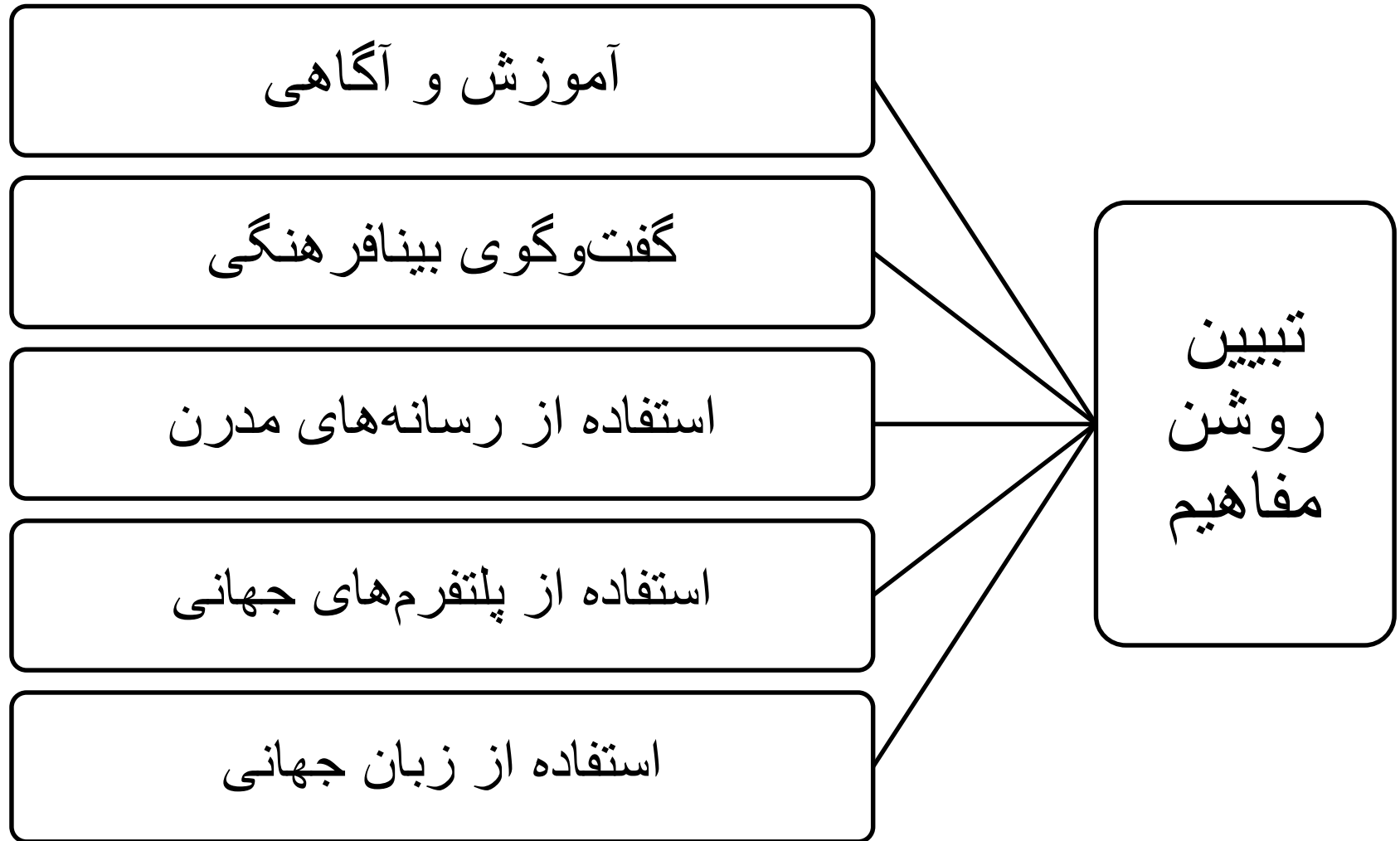
معرفی عدالت اسلامی در جهان

تبیین روشن
مفاهیم

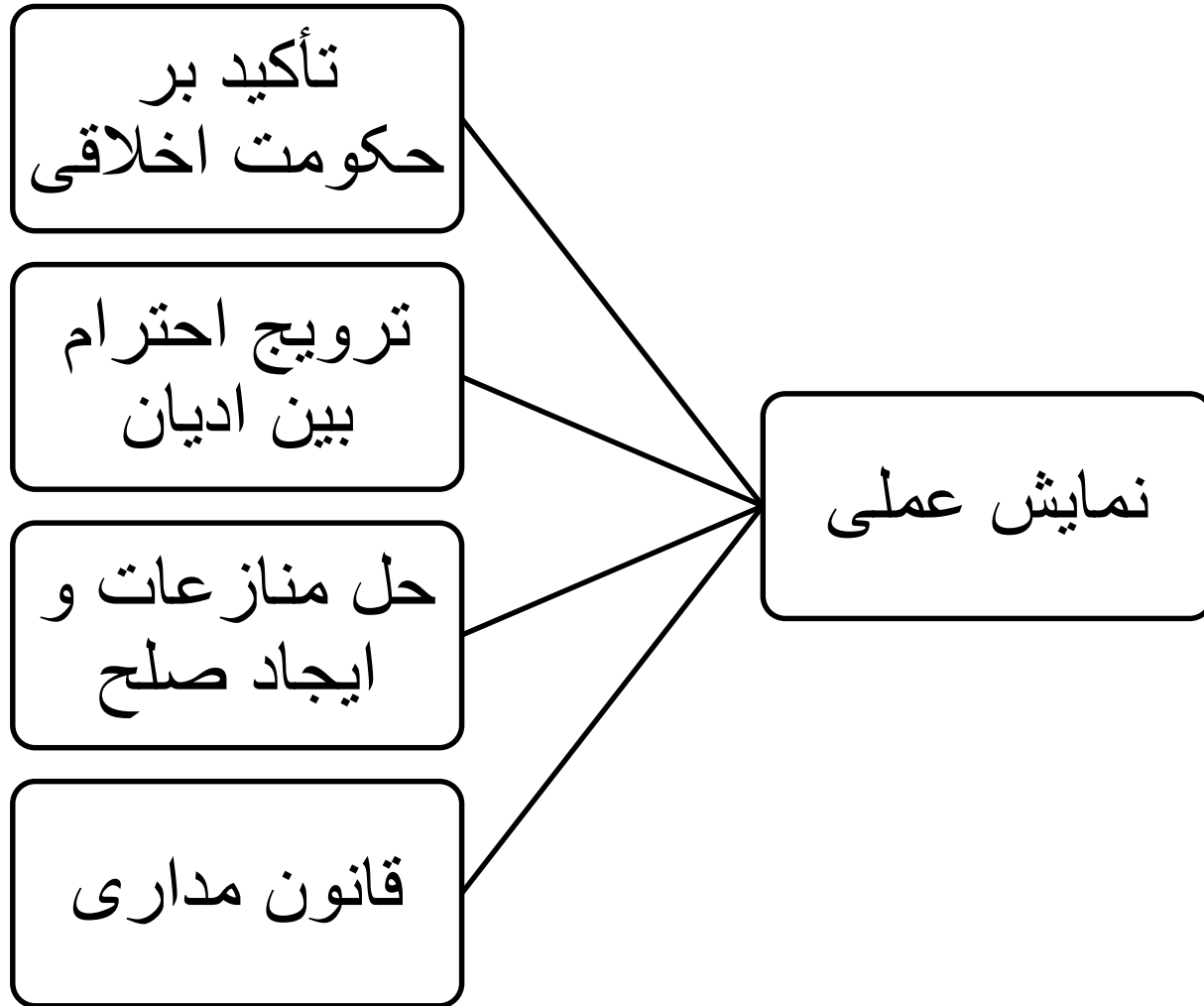
نمایش عملی

معرفی عدالت
اسلامی در جهان

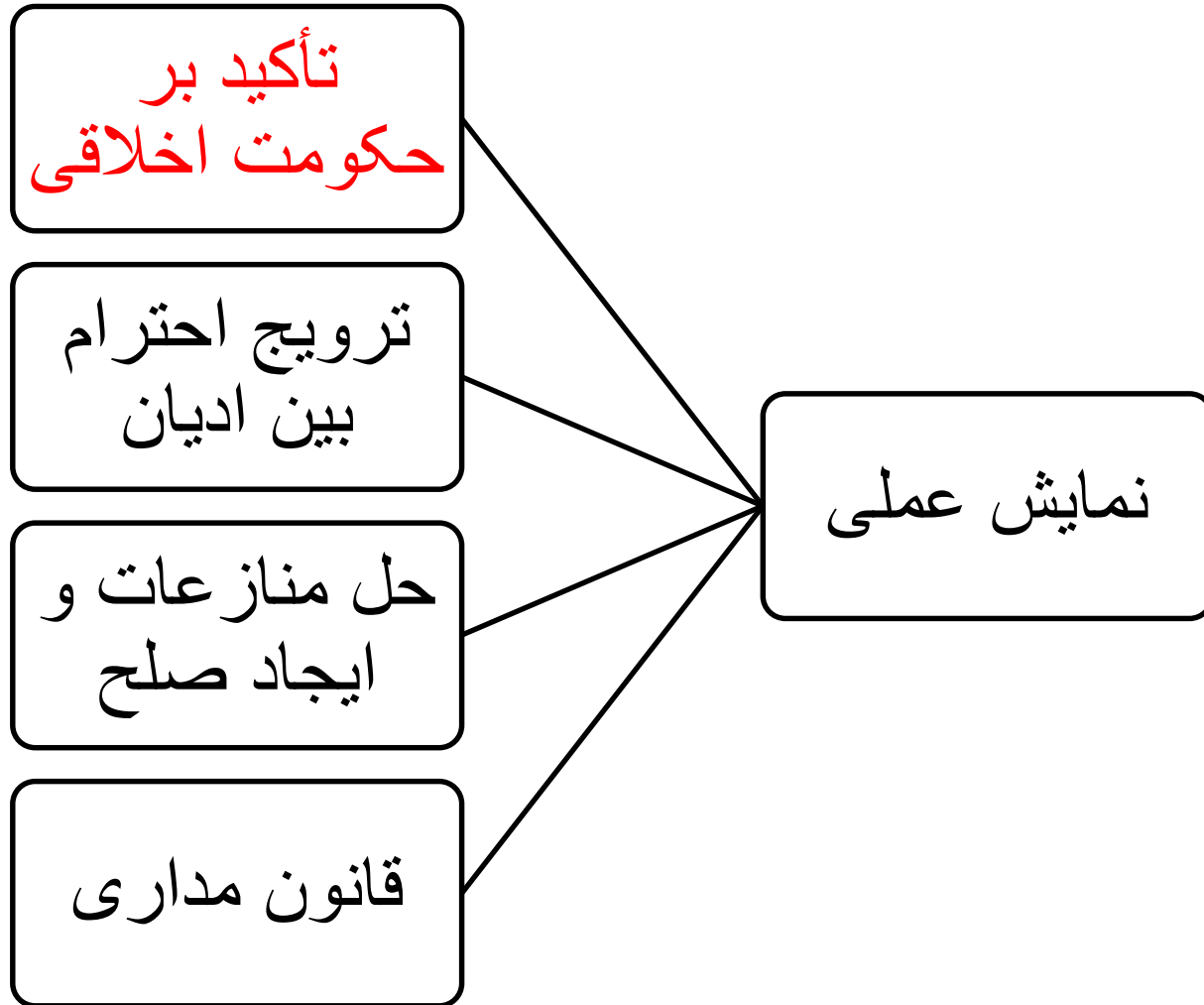
معرفی عدالت اسلامی در جهان

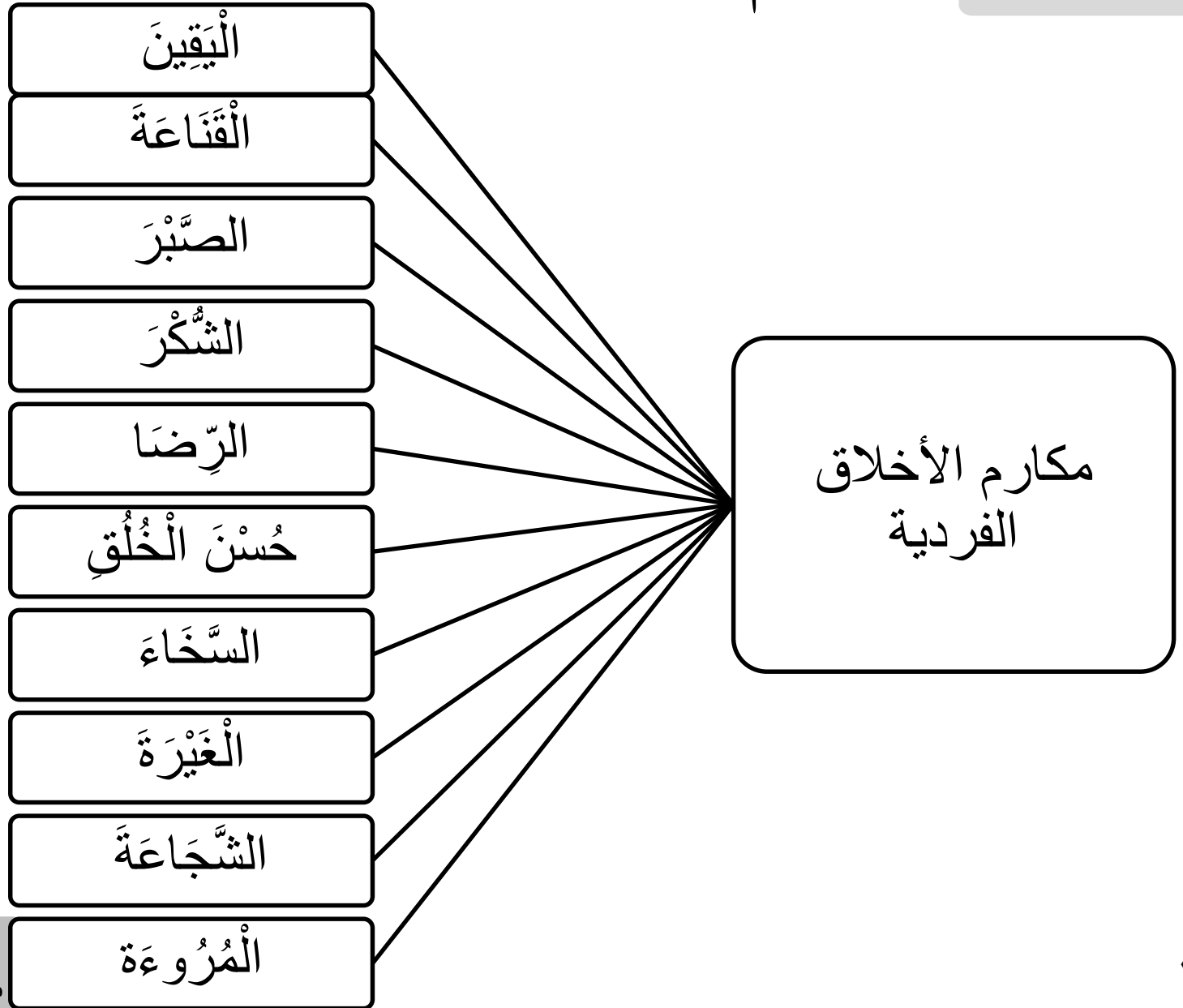


معرفی عدالت اسلامی در جهان



معرفی عدالت اسلامی در جهان





١. العدل: أساس الحكم

٢. الشورى والتشاور مع الأمة

٣. الرحمة والرفق بالرعية

٤. الصدق والأمانة

٥. النزاهة والزهد في أموال الدولة

٦. النصيحة والإصلاح

٧. العفو عند المقدرة

٨. الرفق بالمعارضين واحترام الرأي الآخر

٩. التقوى ومراقبة الله

١٠. الشفافية والمحاسبة

١١. المسؤولية والمساءلة

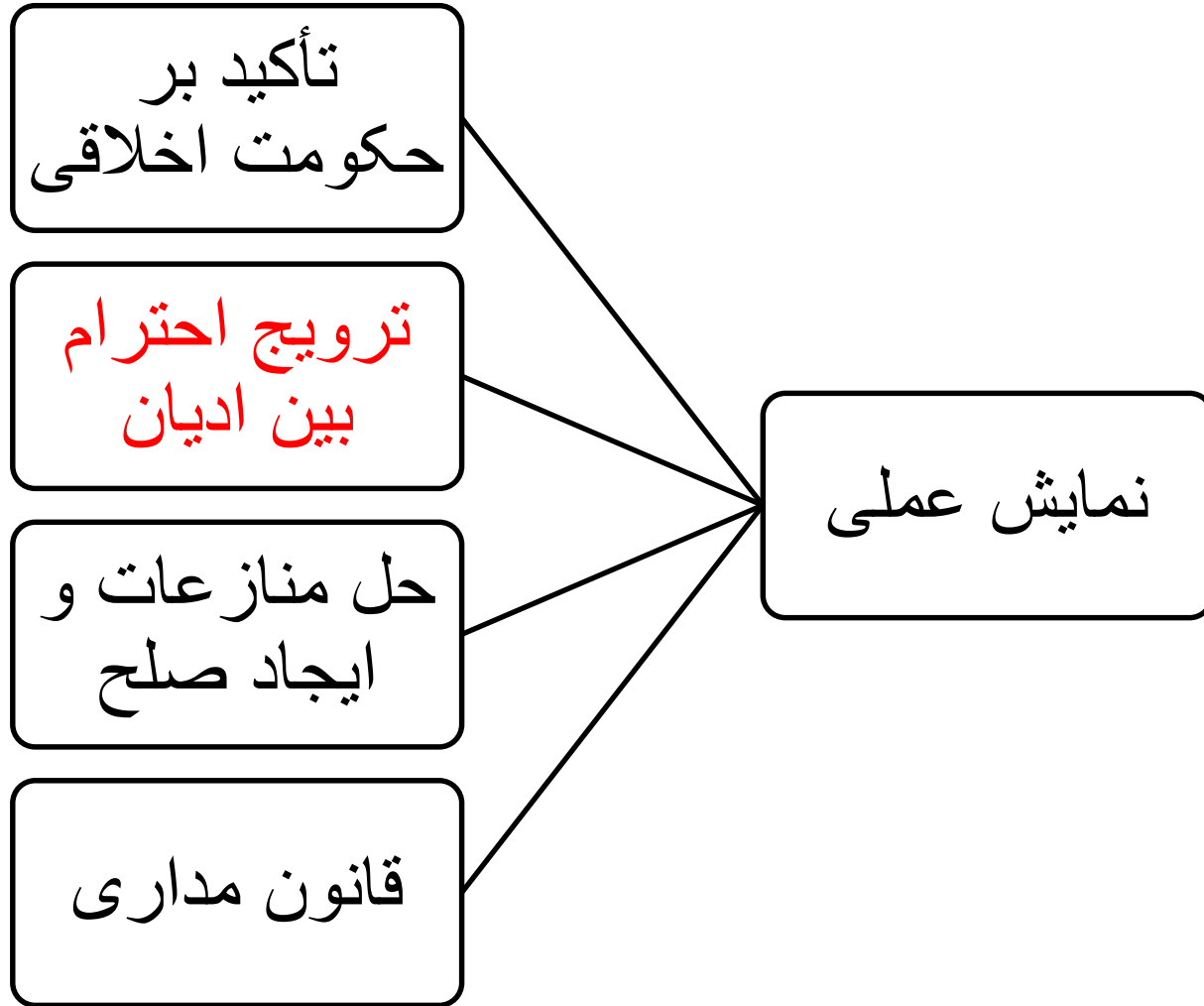
١٢. حفظ الكرامة الإنسانية

١٣. الصبر والحلم و التواضع

١٤. الوفاء بالعهود

مكارم
الأخلاق في
السياسة
الإسلامية

معرفی عدالت اسلامی در جهان



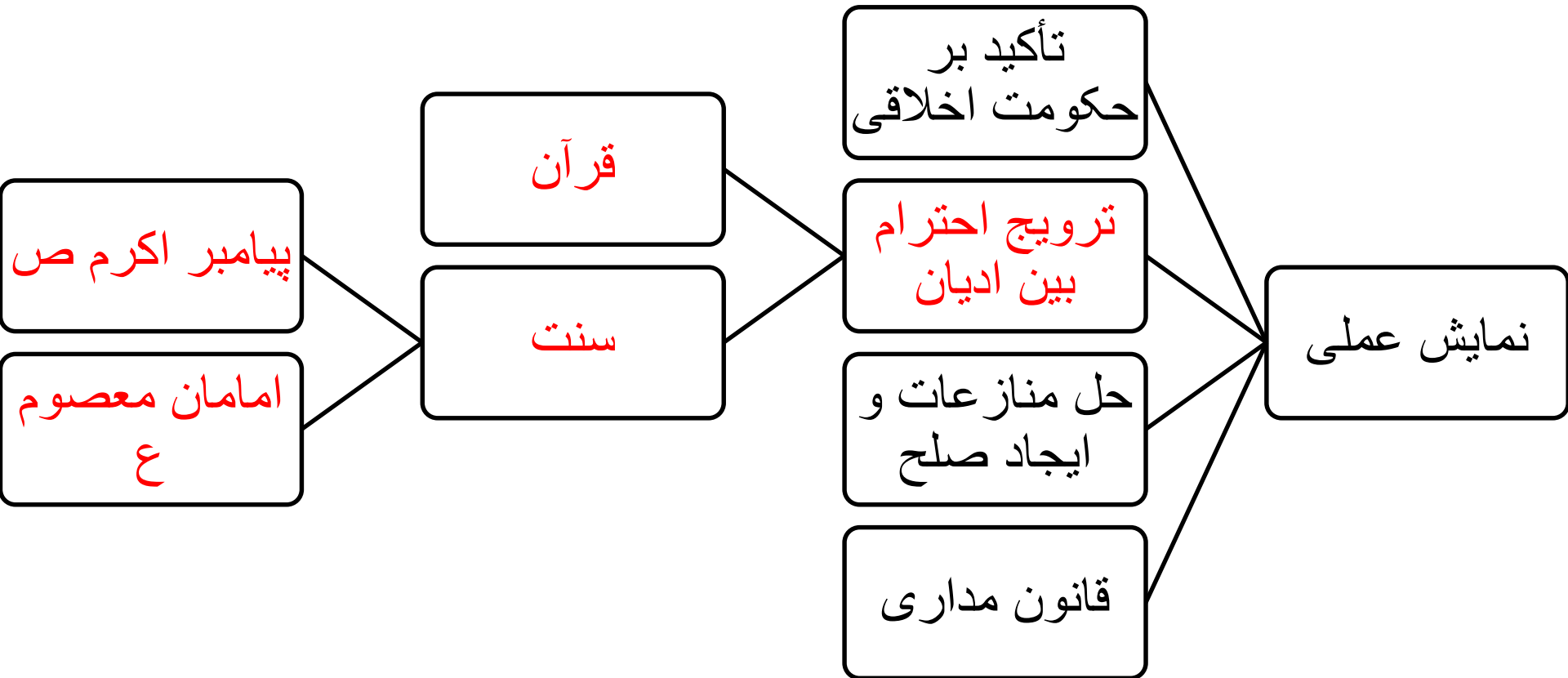
معرفی عدالت اسلامی به جهان

- ترویج احترام بین ادیان: برجسته کنید که چگونه عدالت اسلامی از رفتار منصفانه و احترام به همه ادیان حمایت می‌کند و همزیستی مسالمت‌آمیز را در جوامع متنوع پرورش می‌دهد.

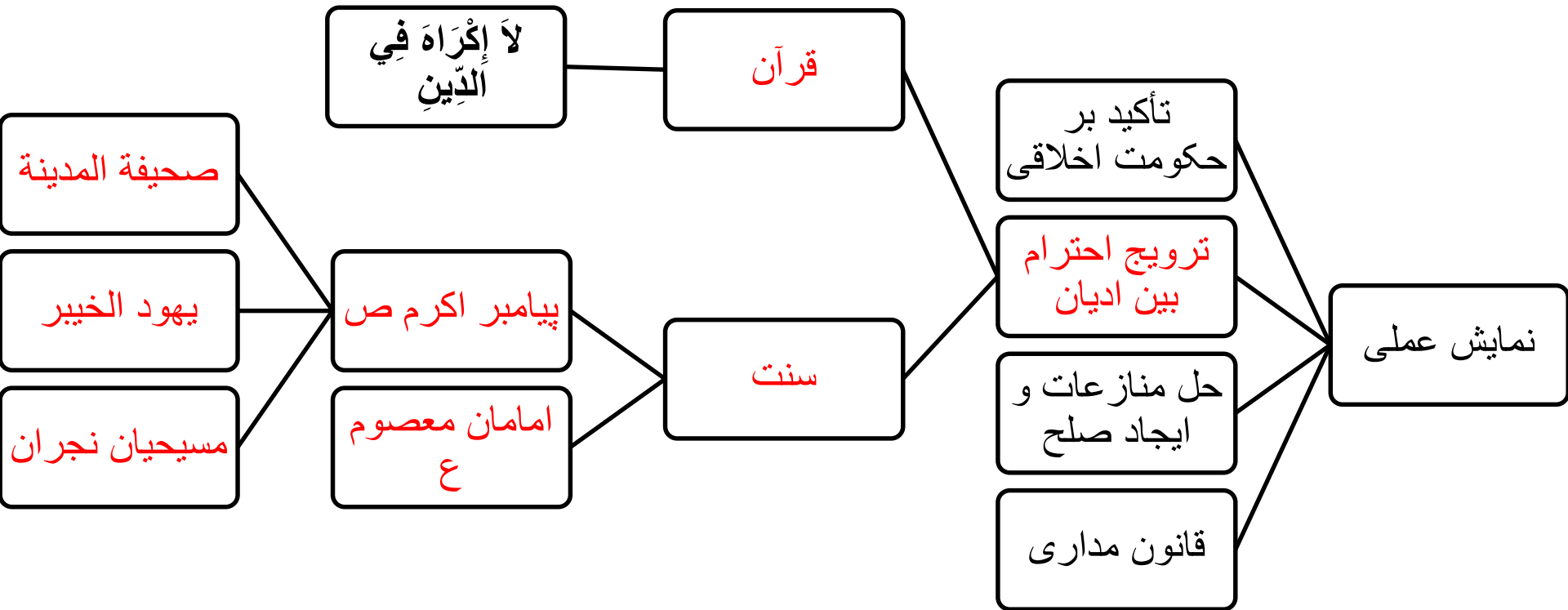
معرفی عدالت اسلامی به جهان

- گفتگوی بین ادیان و شمول: ترویج عدالت اسلامی
- به عنوان عدالتی که شامل همه ادیان می شود، از آزادی مذهبی و حمایت از اقلیت ها حمایت می کند و احترام بین ادیان و همزیستی مسالمت آمیز را پرورش می دهد.

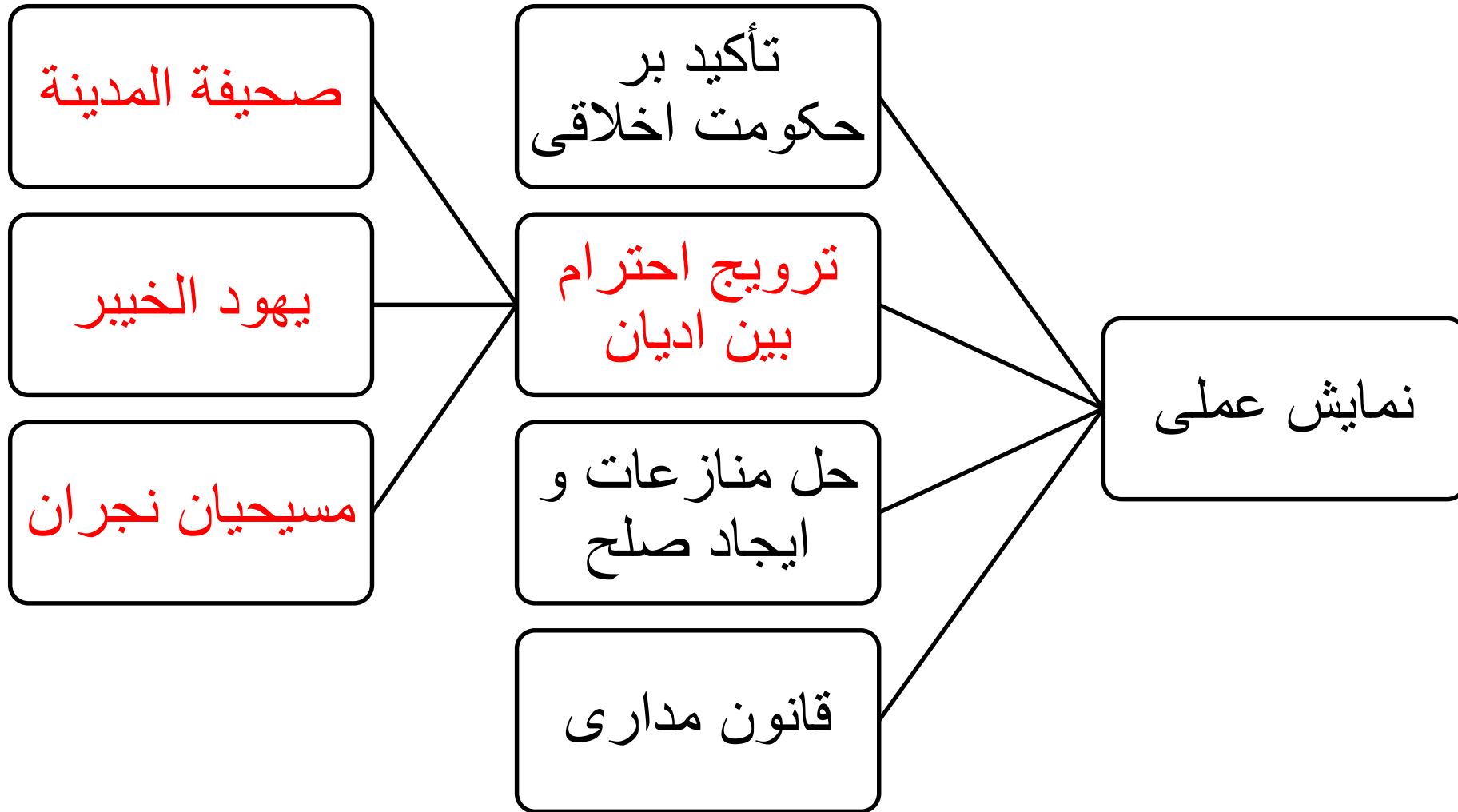
معرفی عدالت اسلامی در جهان



معرفی عدالت اسلامی در جهان



معرفی عدالت اسلامی در جهان



خارج الفقہ

۱۸-۹-۳-۱۴۰۳ فقه اکبر ۳

۳۹

(مکتب و نظام سیاسی اسلام)

دراسات الاستاذ:

مهدي الهادي الطهراني

خارج الفقہ

۱۹-۹-۲۰۳۱ فقہ اکبر ۳

۴۰

(مکتب و نظام سیاسی اسلام)

دراسات الاستاذ:

مهدي الهادي الطهراني

لَا إِخْرَآهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ
 مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ
 يُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ
 الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ
 عَلِيمٌ

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ

• (بيان) [فى نفى الإكراه فى الدين].

- قوله تعالى: لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ، الإكراه هو الإيجابار و الحمل على الفعل من غير رضى، و الرشد بالضم و الضمتين: إصابة وجه الأمر و محجة الطريق و يقابله الغي، فهما أعم من الهدى و الضلال، فإنهما إصابة الطريق الموصل و عدمها على ما قيل،

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ

• و الظاهر أن استعمال الرشد في إصابة محجة الطريق من باب الانطباق على المصداق، فإن إصابة وجه الأمر من سألک الطريق أن يركب المحجة و سواء السبيل، فلزومه الطريق من مصاديق إصابة وجه الأمر، فالحق أن معنى الرشد و الهدى معنيان مختلفان ينطبق أحدهما بعناية خاصة على مصاديق الآخر و هو ظاهر، قال تعالى: «فَإِنْ أَنْسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا»: النساء - ٦ و قال تعالى: «وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ»: الأنبياء - ٥١،

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ

- و كذلك القول في الغي و الضلال، و لذلك ذكرنا سابقا: أن الضلال هو العدول عن الطريق مع ذكر الغاية و المقصد، و الغي هو العدول مع نسيان الغاية فلا يدرى الإنسان الغوى ما ذا يريد و ما ذا يقصد.

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ

- و في قوله تعالى: لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ، نفى الدين الإجماري، لما أن الدين وهو سلسلة من المعارف العلمية التي تتبعها أخرى عملية يجمعها أنها اعتقادات، و الاعتقاد و الإيمان من الأمور القلبية التي لا يحكم فيها الإكراه و الإجبار،

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ

- فَإِنَّ الْإِكْرَاهَ إِنَّمَا يُوْثِرُ فِي الْأَعْمَالِ الظَّاهِرِيَّةِ وَالْأَفْعَالِ وَالْحَرَكَاتِ الْبَدَنِيَّةِ الْمَادِيَّةِ، وَأَمَّا الْإِعْتِقَادُ الْقَلْبِيُّ فَلَهُ عِلَلٌ وَأَسْبَابٌ أُخْرَى قَلْبِيَّةٌ مِنْ سِنَخِ الْإِعْتِقَادِ وَالْإِدْرَاكِ، وَمِنْ الْمَحَالِّ أَنْ يَنْتِجَ الْجَهْلُ عِلْمًا، أَوْ تَوْلَدَ الْمَقْدَمَاتُ غَيْرَ الْعِلْمِيَّةِ تَصْدِيقًا عِلْمِيًّا،

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ

- فقوله: لا إكراه في الدين، إن كان **قضية إخبارية** حاكية عن حال التكوين أنتج حكما دينيا بنفى الإكراه على الدين و الاعتقاد، وإن كان **حكما إنشائيا تشريعيا** كما يشهد به ما عقبه تعالى من قوله: **قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ**، كان نهيا عن الحمل على الاعتقاد و الإيمان كرها، و هو نهى متك على حقيقة تكوينية، و هي التي مر بيانها أن الإكراه إنما يعمل و يؤثر في مرحلة الأفعال البدنية دون الاعتقادات القلبية.

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ

• و قد بين تعالى هذا الحكم بقوله: قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ، و هو في مقام التعليل فإن الإكراه و الإجبار إنما يركن إليه الأمر الحكيم و المربي العاقل في الأمور المهمة التي لا سبيل إلى بيان وجه الحق فيها لبساطة فهم المأمور و رداءة ذهن المحكوم، أو لأسباب و جهات أخرى، فيتسبب الحاكم في حكمه بالإكراه أو الأمر بالتقليد و نحوه،

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ

• و أما الأمور المهمة التي تبين وجه الخير و الشر فيها، و قرر وجه الجزاء الذي يلحق فعلها و تركها فلا حاجة فيها إلى الإكراه، بل للإنسان أن يختار لنفسه ما شاء من طرفي الفعل و عاقبتي الثواب و العقاب، و الدين لما انكشفت حقائقه و اتضح طريقه بالبيانات الإلهية الموضحة بالسنة النبوية فقد تبين أن الدين رشد و الرشده في اتباعه، و الغي في تركه و الرغبة عنه، و على هذا لا موجب لأن يكره أحد أحدا على الدين.

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ

• وهذه إحدى الآيات الدالة على أن الإسلام لم يبتن على السيف و الدم، و لم يفت بالإكراه و العنوة على خلاف ما زعمه عدة من الباحثين من المنتحلين و غيرهم أن الإسلام دين السيف استدلوا عليه: بالجهاد الذي هو أحد أركان هذا الدين.

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ

• و قد تقدم الجواب عنه في ضمن البحث عن آيات القتال و ذكرنا هناك أن القتال الذي ندب إليه الإسلام ليس لغاية إحراز التقدم و بسط الدين بالقوة و الإكراه، بل لإحياء الحق و الدفاع عن أنفس متاع للفطرة و هو التوحيد، و **أما بعد انبساط التوحيد بين الناس و خضوعهم لدين النبوة و لو بالتهود و التنصر فلا نزاع لمسلم مع موحد و لا جدال، فالإشكال ناش عن عدم التدبير.**

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ

- و يظهر مما تقدم أن الآية أعني قوله: لا إكراه في الدين غير منسوخة بآية السيف كما ذكره بعضهم.

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ

• و من الشواهد علي أن الآيه غير منسوخة التعليل الذي فيها أعني قوله: قد تبين الرشد من الغي، فإن الناسخ ما لم ينسخ علة الحكم لم ينسخ نفس الحكم، فإن الحكم باق ببقاء سببه، و معلوم أن تبين الرشد من الغي في أمر الإسلام أمر غير قابل للارتفاع بمثل آية السيف، فإن قوله: فاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم مثلا، أو قوله: وقاتلوا في سبيل الله الآية لا يؤثران في ظهور حقيته الدين شيئا حتى ينسخا حكما معلولا لهذا الظهور.

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ

- و بعبارة أخرى الآية تعلق قوله: لا إكراه في الدين بظهور الحق: و هو معنى لا يختلف حاله قبل نزول حكم القتال و بعد نزوله، فهو ثابت على كل حال، فهو غير منسوخ.

- ابن ابی العوجا از شخصیت‌های معروف و جنجالی در تاریخ اوایل اسلام است که عمدتاً به دلیل انکار خداوند و الحاد در قرن دوم هجری شناخته می‌شود. اطلاعات درباره او عمدتاً از طریق منابع تاریخی و روایی اسلامی به دست آمده و جنبه‌های مختلفی از زندگی و افکار او مورد بحث بوده است.

- مشخصات کلی:
- نام کامل: عبدالکریم بن ابی العوجا
- زمان زندگی: قرن دوم هجری (دوره عباسی)
- محل فعالیت: عراق، به ویژه در منطقه کوفه و بصره
- شغل ظاهری: از راویان حدیث بود، اما در پنهان به تبلیغ افکار الحادی می پرداخت.

ابن ابی العوجا

- زمینه فکری و فعالیت‌ها:

- ابن ابی العوجا به عنوان یکی از زندیقان (ملحدان یا منکران خدا) شناخته می‌شد. او تحت تأثیر جریان‌های فکری پیش از اسلام مانند مانویگری و نیز اندیشه‌های فلسفی یونانی قرار داشت. افکار او شامل انکار خدا، تکذیب نبوت و تردید در معاد بود.

ابن ابی العوجا

- روایت مشهور با امام صادق (ع):

- یکی از مشهورترین داستان‌های مربوط به ابن ابی العوجا، گفتگوی او با امام جعفر صادق (ع) است. در این روایت، ابن ابی العوجا به امام صادق (ع) اعتراض می‌کند که چرا احادیث و تعالیم اسلامی را با اسناد ضعیف نقل می‌کنید و امام در پاسخ با استدلال‌های منطقی و قوی، او را به چالش می‌کشند.

- این گفتگو اغلب در منابع شیعه و سنی به عنوان نمادی از برتری منطق امام در برابر شبهات الحادی مطرح شده است.

- پایان کار:
- بر اساس منابع تاریخی، ابن ابی العوجا در نهایت دستگیر و به دلیل الحاد و انتشار افکار انحرافی محکوم به اعدام شد.
- برخی روایات اشاره می‌کنند که او قبل از اعدام، تحت تأثیر استدلال‌های امام صادق (ع) قرار گرفت، اما منابع در این زمینه متفاوت هستند.

- اهمیت تاریخی:
- ابن ابی العوجا نمادی از جریان‌های فکری غیردینی در اوایل دوره اسلامی است. وجود او و امثالش نشان می‌دهد که در آن دوره، جامعه اسلامی با چالش‌های فکری و عقیدتی متنوعی روبرو بوده و عالمان دینی مانند امام صادق (ع) به مقابله با این شبهات می‌پرداختند.

- نکته مهم:

- بسیاری از اطلاعات درباره ابن ابی العوجا از طریق منابع اسلامی نقل شده و ممکن است تحت تأثیر دیدگاه‌های کلامی قرار گرفته باشد. بنابراین، تحلیل دقیق شخصیت او نیاز به بررسی منابع تاریخی و تطبیق آن با زمینه‌های فکری عصر عباسی دارد.

عبدالله بن مقفع

- عبدالله بن مقفع از شخصیت‌های برجسته، پیچیده و تراژیک در تاریخ اوایل دوره عباسی است. او بیشتر به عنوان ادیب، مترجم و نویسندehای نابغه شناخته می‌شود که نقش بی‌بدیلی در انتقال فرهنگ و علوم از تمدن‌های باستانی به جهان اسلام ایفا کرد.

عبدالله بن مقفع

- مشخصات کلی:
- نام کامل: ابو محمد عبدالله بن مقفع
- تولد: حدود ۱۰۶ هجری قمری (۷۲۴ میلادی) در شهر «جور» (فیروزآباد امروزی در فارس)

- مرگ: ۱۴۲ هجری قمری (۷۵۹ میلادی) به دستور سفاح یا منصور عباسی
- پیشینه قومی: ایرانی الاصل و از موالی (غیر عرب که به اسلام گرویده بودند)
- دین: ابتدا زرتشتی بود و سپس مسلمان شد (البته برخی در صداقت اسلام او تردید داشتند).

عبدالله بن مقفع

- زمینه فکری و فعالیت‌ها:
- ۱. مترجمی بی‌نظیر:
- ابن مقفع یکی از تأثیرگذارترین مترجم‌ها در تاریخ اسلام است. او با تسلط کامل به زبان‌های فارسی میانه (پهلوی) و عربی، آثار ارزشمندی را از پهلوی به عربی ترجمه کرد که پایه‌های ادبیات و فلسفه عربی را تقویت نمود.

- مهمترین ترجمه‌ها:
- کلیله و دمنه: ترجمه این اثر از پهلوی به عربی، شاهکاری ماندگار است. او این کتاب را نه فقط ترجمه، بلکه به شیوه‌ای ادبی بازآفرینی کرد که خود به متنی کلاسیک در ادب عربی تبدیل شد.

- الأَدبُ الكَبيرُ و الأَدبُ الصغیرُ: این دو کتاب که احتمالاً ترجمه و اقتباس از آثار ایرانی هستند، در واقع رساله‌هایی در مورد اخلاق، سیاست و آداب حکمرانی هستند.
- تاجنامه انوشیروان (آیین نامه) و نامه تنسر که درباره سیاست و حکومتداری است.

عبدالله بن مقفع

- ۲. نویسنده و ادیب:
- ابن مقفع را از پیشگامان نثر عربی می‌دانند. نثر او روان، دقیق و پر از حکمت بود و سبک جدیدی در نوشتار ایجاد کرد.

- ۳. عقاید و دیدگاه‌ها:
- او فردی عمیقاً عقل‌گرا بود و به سنت‌های عقلانی ایران باستان و فلسفه یونان علاقه داشت. این عقل‌گرایی شدید، همراه با طبع تند و زبان گزنده‌اش، او را با حاکمان زمان و برخی از متعصبان مذهبی درگیر کرد.

- اتهامات: به او اتهام زندقه (الحاد یا بی دینی پنهان) زده می شد. گفته می شد که اگرچه ظاهراً مسلمان است، اما در باطن به دین زرتشتی یا عقاید عقلانی محض پایبند است.

عبدالله بن مقفع

- پایان کار تراژیک:
- ابن مقفع به دلیل درگیری با سفیان بن معاویه، والی بصره، و همچنین احتمالاً به دلیل بدگمانی خلیفه عباسی (منصور یا سفاح) نسبت به عقایدش، دستگیر شد. او را به طرز فجیعی در آتش سوزاندند. این اعدام یکی از وقایع تلخ تاریخ است که بی‌رحمی سیاسی و مذهبی آن دوره را نشان می‌دهد.

- اهمیت و میراث:

- پل فرهنگی: او پلی بین فرهنگ ایران باستان، هند و یونان از یک سو و تمدن نوپای اسلامی از سوی دیگر بود.
- بنیانگذار نثر عربی: آثارش اساس بسیاری از نوشته‌های بعدی در ادبیات، اخلاق و سیاست شد.
- نماد روشنفکری: زندگی و مرگ او نماد چالش روشنفکر مستقل در برابر ساختارهای قدرت سیاسی و دینی است.

عبدالله بن مقفع

- جمع بندی:
- عبدالله بن مقفع نه تنها یک مترجم، بلکه یک متفکر و مصلح اجتماعی بود که می خواست حکمت باستانی را در خدمت جامعه اسلامی قرار دهد. تراژدی مرگ او نشان می دهد که چگونه نبوغ فکری می تواند در تقابل با قدرت و تعصب آسیب پذیر باشد. آثار به جا مانده از او، به ویژه کلیله و دمنه، تا امروز گواه نبوغ و تأثیر عمیق او هستند.

• ١٩٩ عنه عن أبيه و يعقوب بن يزيد جميعاً عن محمد بن أبي عمير عن هشام بن سالم قال قال ابن أبي العوجاء للأحول ما بال المرأة الضعيفة لها سهم واحد و للرجل القوى الموسر له سهمان فذكرت ذلك لأبي عبد الله ع فقال إن المرأة ليس عليها عاقلة و لا نفقة و لا جهاد و عد أشياء من نحو هذا و هذا على الرجل فلذلك جعل للرجل سهمان و للمرأة سهم

• ١٢ - ١٨٥ - ١ عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن محمد بن علي عن عبد الرحمن بن محمد بن أبي هاشم عن أحمد بن محسن الميثمي قال كنت عند أبي منصور المتطبب فقال أخبرني رجل من أصحابي قال كنت أنا و ابن أبي العوجاء و عبد الله بن المقفع في المسجد الحرام

• فَقَالَ **ابْنُ الْمُقَفَّعِ** تَرَوْنَ هَذَا الْخَلْقَ وَ أَوْمًا بِيَدِهِ إِلَى
 مَوْضِعِ الطَّوَافِ مَا مِنْهُمْ أَحَدٌ أَوْجِبَ لَهُ اسْمُ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَّا
 ذَلِكَ الشَّيْخُ الْجَالِسُ يَعْنِي أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ
 عَ فَا مَّا الْبَاقُونَ فَرَعَاعٌ وَ بِهَائِمٌ

- فَقَالَ لَهُ **ابْنُ أَبِي الْعَوْجَاءِ** وَكَيْفَ أُوجِبْتَ هَذَا الْاسْمَ لِهَذَا الشَّيْخِ دُونَ هَؤُلَاءِ
- قَالَ لَأَنِّي رَأَيْتُ عِنْدَهُ مَا لَمْ أَرَهُ عِنْدَهُمْ
- فَقَالَ لَهُ ابْنُ أَبِي الْعَوْجَاءِ لَا بُدَّ مِنْ اخْتِبَارِ مَا قُلْتَ فِيهِ مِنْهُ
- قَالَ فَقَالَ لَهُ ابْنُ الْمُقَفَّعِ لَا تَفْعَلْ فَإِنِّي أَخَافُ أَنْ يَفْسِدَ عَلَيْكَ مَا فِي يَدِكَ
- فَقَالَ لَيْسَ ذَا رَأْيِكَ وَ لَكِنْ تَخَافُ أَنْ يَضْعِفَ رَأْيَكَ عِنْدِي فِي إِحْلَالِكَ إِيَّاهُ الْمَحَلَّ الَّذِي وَصَفْتَ

مع الزنادقة

- قَالَ ابْنُ الْمُقَفَّعِ أَمَا إِذَا تَوَهَّمْتَ عَلَيَّ هَذَا فَقُمْ إِلَيْهِ وَتَحَفَّظْ مَا اسْتَطَعْتَ مِنَ الزَّلِيلِ وَلَا تَتَّبِعْ عَنَانَكَ إِلَى اسْتِرْسَالٍ فَيُسَلِّمَكَ إِلَى عَقَالٍ وَ سَمَهُ مَا لَكَ أَوْ عَلَيْكَ
- قَالَ فَقَامَ ابْنُ أَبِي الْعَوْجَاءِ وَبَقِيَتْ أَنَا وَابْنُ الْمُقَفَّعِ جَالِسَيْنِ فَلَمَّا رَجَعَ إِلَيْنَا ابْنُ أَبِي الْعَوْجَاءِ قَالَ وَيْلَكَ يَا ابْنَ الْمُقَفَّعِ مَا هَذَا بِبَشَرٍ وَإِنْ كَانَ فِي الدُّنْيَا رُوحَانِي يَتَجَسَّدُ إِذَا شَاءَ ظَاهِرًا وَ يَتَرَوَّحُ إِذَا شَاءَ بَاطِنًا فَهُوَ هَذَا

• فَقَالَ لَهُ وَكَيْفَ ذَلِكَ قَالَ جَلَسْتُ إِلَيْهِ فَلَمَّا لَمْ يَبْقَ عِنْدَهُ
 غَيْرِي ابْتَدَأَنِي فَقَالَ إِنْ يَكُنُ الْأَمْرُ عَلَيَّ مَا يَقُولُ هَؤُلَاءِ وَ
 هُوَ عَلَيَّ مَا يَقُولُونَ يَعْنِي أَهْلَ الطَّوَافِ فَقَدْ سَلِمُوا وَ
 عَطَبْتُمْ وَ إِنْ يَكُنُ الْأَمْرُ عَلَيَّ مَا تَقُولُونَ وَ لَيْسَ كَمَا
 تَقُولُونَ فَقَدْ اسْتَوَيْتُمْ وَ هُمْ فَقُلْتُ لَهُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ وَ أَيْ
 شَيْءٍ نَقُولُ وَ أَيْ شَيْءٍ يَقُولُونَ مَا قَوْلِي وَ قَوْلِهِمْ إِلَّا
 وَاحِدٌ

مع الزنادقة

- فَقَالَ وَ كَيْفَ يَكُونُ قَوْلُكَ وَ قَوْلُهُمْ وَاحِدًا وَ هُمْ يَقُولُونَ إِنَّ لَّهُمْ مَعَادًا وَ ثَوَابًا وَ عِقَابًا وَ يَدِينُونَ بَأَن فِي السَّمَاءِ إِلَهًا وَ أَنَّهَا عِمْرَانُ وَ أَنْتُمْ تَزْعُمُونَ أَنَّ السَّمَاءَ خَرَابٌ لَيْسَ فِيهَا أَحَدٌ
- قَالَ فَاعْتَمَمْتُهَا مِنْهُ فَقُلْتُ لَهُ مَا مَنَعَهُ إِنْ كَانَ الْأَمْرُ كَمَا يَقُولُونَ أَنْ يَظْهَرَ لَخَلْقِهِ وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى عِبَادَتِهِ حَتَّى لَا يَخْتَلِفَ مِنْهُمْ اثْنَانُ وَ لَمْ أَحْتَجِبْ عَنْهُمْ وَ أَرْسَلْتُ إِلَيْهِمُ الرِّسْلَ وَ لَوْ بَاشَرَهُمْ بِنَفْسِهِ كَانَ أَقْرَبَ إِلَى الْإِيمَانِ بِهِ

• فَقَالَ لِي وَيْلَكَ وَكَيْفَ احْتَجَبَ عَنْكَ مَنْ أَرَاكَ قُدْرَتَهُ فِي نَفْسِكَ
 نُشُوءَكَ وَ لَمْ تَكُنْ وَ كِبْرَكَ بَعْدَ صَغْرِكَ وَ قُوَّتَكَ بَعْدَ ضَعْفِكَ وَ
 ضَعْفَكَ بَعْدَ قُوَّتِكَ وَ سَقَمَكَ بَعْدَ صِحَّتِكَ وَ صِحَّتَكَ بَعْدَ سَقَمِكَ وَ
 رِضَاكَ بَعْدَ غَضَبِكَ وَ غَضَبَكَ بَعْدَ رِضَاكَ وَ حُزْنَكَ بَعْدَ فَرَحِكَ وَ
 فَرَحَكَ بَعْدَ حُزْنِكَ وَ حُبَّكَ بَعْدَ بُغْضِكَ وَ بُغْضَكَ بَعْدَ حُبِّكَ وَ
 عِزْمَكَ بَعْدَ أُنَاتِكَ وَ أُنَاتَكَ بَعْدَ عِزْمِكَ وَ شَهْوَتَكَ بَعْدَ كِرَاهَتِكَ وَ
 كِرَاهَتَكَ بَعْدَ شَهْوَتِكَ وَ رَغْبَتَكَ بَعْدَ رَهْبَتِكَ وَ رَهْبَتَكَ بَعْدَ رَغْبَتِكَ
 وَ رَجَاءَكَ بَعْدَ يَأْسِكَ وَ يَأْسَكَ بَعْدَ رَجَائِكَ وَ خَاطِرَكَ بِمَا لَمْ
 يَكُنْ فِي وَهْمِكَ وَ عِزُوبَ مَا أَنْتَ مُعْتَقِدُهُ عَنِ ذَهْنِكَ

• وَمَا زَالَ يُعَدُّ عَلَيَّ قُدْرَتَهُ الَّتِي هِيَ فِي نَفْسِي الَّتِي لَأُ
أُدْفَعُهَا حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُظْهِرُ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَهُ

• ١ - ١٨٩ - ١ عنه عن بعض أصحابنا رفعه و زاد في
 حديث ابن أبي العوجاء حين سأل أبو عبد الله ع قال
 عاد ابن أبي العوجاء في اليوم الثاني إلى مجلس أبي
 عبد الله ع فجلس و هو ساكت لا ينطق فقال أبو عبد
 الله ع كأنك جئت تعيد بعض ما كنا فيه فقال أردت
 ذلك يا ابن رسول الله فقال له أبو عبد الله ع ما أعجب
 هذا تنكر الله و تشهد أني ابن رسول الله فقال العادة
 تحملي على ذلك

• فَقَالَ لَهُ الْعَالِمُ عَ فَمَا يَمْنَعُكَ مِنَ الْكَلَامِ قَالَ إِجْلَالًا لَكَ
وَمَهَابَةً مَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي بَيْنَ يَدَيْكَ فَإِنِّي شَاهَدْتُ
الْعُلَمَاءَ وَنَازَرْتُ الْمُتَكَلِّمِينَ فَمَا تَدَاخَلَنِي هَيْبَةٌ قَطُّ مِثْلُ
مَا تَدَاخَلَنِي مِنْ هَيْبَتِكَ

• قَالَ يَكُونُ ذَلِكَ وَ لَكِنْ أَفْتَحُ عَلَيْكَ بِسُؤَالٍ وَ أَقْبَلْ عَلَيْهِ
فَقَالَ لَهُ أَمْصَنُوعُ أَنْتَ أَوْ غَيْرُ مَصْنُوعٍ فَقَالَ **عَبْدُ الْكَرِيمِ**
بْنُ أَبِي الْعَوْجَاءِ بَلْ أَنَا غَيْرُ مَصْنُوعٍ فَقَالَ لَهُ الْعَالِمُ عَ
فَصِفْ لِي لَوْ كُنْتَ مَصْنُوعًا كَيْفَ كُنْتَ تَكُونُ

• فَبَقِيَ عَبْدُ الْكَرِيمِ مَلِيًّا لَا يُحِيرُ جَوَابًا وَوَلَعَ بِخَشْبَةٍ كَانَتْ
 بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُوَ يَقُولُ طَوِيلٌ عَرِيضٌ عَمِيقٌ قَصِيرٌ مَتَحَرَّكَ
 سَاكِنٌ كُلُّ ذَلِكَ صِفَةٌ خَلَقَهُ فَقَالَ لَهُ الْعَالَمُ فَإِنْ كُنْتَ لَمْ
 تَعْلَمْ صِفَةَ الصَّنْعَةِ غَيْرَهَا فَأَجْعَلْ نَفْسَكَ مَصْنُوعًا لِمَا تَجِدُ
 فِي نَفْسِكَ مِمَّا يَحْدُثُ مِنْ هَذِهِ الْأُمُورِ فَقَالَ لَهُ عَبْدُ
 الْكَرِيمِ سَأَلْتَنِي عَنْ مَسْأَلَةٍ لَمْ يَسْأَلْنِي عَنْهَا أَحَدٌ قَبْلَكَ وَ
 لَا يَسْأَلْنِي أَحَدٌ بَعْدَكَ عَنْ مِثْلِهَا

• فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع هَبْكَ عَلِمْتَ أَنَّكَ لَمْ تُسْأَلْ فِيمَا مَضَى
 فَمَا عَلِمَكَ أَنَّكَ لَمْ تُسْأَلْ فِيمَا بَعْدَ عَلِيٍّ أَنْكَ يَا عَبْدَ الْكَرِيمِ
 نَقَضْتَ قَوْلَكَ - لَأَنَّكَ تَزْعُمُ أَنَّ الْأَشْيَاءَ مِنَ الْأَوَّلِ سَوَاءٌ
 فَكَيْفَ قَدَّمْتَ وَأَخَّرْتَ ثُمَّ قَالَ يَا عَبْدَ الْكَرِيمِ أَزِيدُكَ
 وَضَوْحًا أَرَأَيْتَ لَوْ كَانَ مَعَكَ كَيْسٌ فِيهِ جَوَاهِرٌ فَقَالَ لَكَ
 قَائِلٌ هَلْ فِي الْكَيْسِ دِينَارٌ فَنَفَيْتَ كَوْنِ الدِّينَارِ فِي الْكَيْسِ
 فَقَالَ لَكَ صَفُّ لِي الدِّينَارِ وَكُنْتَ غَيْرَ عَالِمٍ بِصِفَتِهِ هَلْ كَانَ
 لَكَ أَنْ تَنْفِيَّ كَوْنِ الدِّينَارِ عَنِ الْكَيْسِ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ قَالَ لَا

مع الزنادقة

- فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ فَالْعَالَمِ أَكْبَرُ وَأَطْوَلُ وَأَعْرَضُ مِنْ
الْكَيْسِ فَلَعَلَّ فِي الْعَالَمِ صِنْعَةً مِنْ حَيْثُ لَا تَعْلَمُ صِفَةَ
الصَّنْعَةِ مِنْ غَيْرِ الصَّنْعَةِ
- فَانْقَطَعَ عَبْدُ الْكَرِيمِ وَأَجَابَ إِلَى الْإِسْلَامِ بَعْضُ أَصْحَابِهِ
وَبَقِيَ مَعَهُ بَعْضُ فَعَادَ فِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِ فَقَالَ أَقْلَبُ السُّؤَالَ
فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ سَلْ عَمَّا شِئْتَ فَقَالَ مَا الدَّلِيلُ
عَلَى حَدَثِ الْأَجْسَامِ

- فَقَالَ إِنِّي مَا وَجَدْتُ شَيْئًا صَغِيرًا وَلَا كَبِيرًا إِلَّا وَ إِذَا ضُمَّ إِلَيْهِ مِثْلُهُ صَارَ أَكْبَرَ وَ فِي ذَلِكَ زَوَالٌ وَ انْتِقَالٌ عَنِ الْحَالَةِ الْأُولَى وَ لَوْ كَانَ قَدِيمًا مَا زَالَ وَ لَا حَالٌ لَأَنَّ الَّذِي يَزُولُ وَ يَحُولُ يَجُوزُ أَنْ يُوْجِدَ وَ يَبْطُلَ فَيَكُونُ بِوُجُودِهِ بَعْدَ عَدَمِهِ دُخُولٌ فِي الْحَدَثِ وَ فِي كَوْنِهِ فِي الْأَزْلِ دُخُولُهُ فِي الْعَدَمِ وَ لَنْ تَجْتَمِعَ صِفَةُ الْأَزْلِ وَ الْعَدَمِ وَ الْحُدُوثِ وَ الْقَدَمِ فِي شَيْءٍ وَاحِدٍ

- فَقَالَ عَبْدُ الْكَرِيمِ هَبْكَ عَلِمْتَ فِي جَرِي الْحَالَتَيْنِ وَ
الزَّمَانَيْنِ عَلَيَّ مَا ذَكَرْتَ وَاسْتَدَلَّتْ بِذَلِكَ عَلَيَّ حَدُوثَهَا
فَلَوْ بَقِيَتِ الْأَشْيَاءُ عَلَيَّ صِغَرَهَا مِنْ أَيْنَ كَانَ لَكَ أَنْ
تَسْتَدِلَّ عَلَيَّ حَدُوثَهُنَّ

• فَقَالَ الْعَالِمُ عِ إِنَّمَا نَتَكَلَّمُ عَلَى هَذَا الْعَالَمِ الْمَوْضُوعِ فَلَوْ
 رَفَعْنَاهُ وَوَضَعْنَاهُ عَالِمًا آخَرَ كَانَ لَأَشْيَاءٍ أَدَلَّ عَلَيَّ
 الْوَحْدِثِ مِنْ رَفَعْنَاهُ إِيَّاهُ وَوَضَعْنَاهُ غَيْرَهُ وَ لَكِنْ أَجِيبُكَ مِنْ
 حَيْثُ قَدَرْتُ أَنْ تُلْزِمُنَا فَنَقُولُ إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَوْ دَامَتْ عَلَيَّ
 صَغُرَهَا لَكَانَ فِي الْوَهْمِ أَنَّهُ مَتَى ضَمُّ شَيْءٍ إِلَى مِثْلِهِ كَانَ
 أَكْبَرَ وَ فِي جَوَازِ التَّغْيِيرِ عَلَيْهِ خُرُوجُهُ مِنَ الْقَدَمِ كَمَا أَنَّ
 فِي تَغْيِيرِهِ دُخُولَهُ فِي الْوَحْدِثِ لَيْسَ لَكَ وَرَاءَهُ شَيْءٌ يَا
 عَبْدَ الْكَرِيمِ

• فَانْقَطَعَ وَ خُزِي فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْعَامِ الْقَابِلِ التَّقَى مَعَهُ فِي الْحَرَمِ فَقَالَ لَهُ بَعْضُ شِيعَتِهِ إِنَّ ابْنَ أَبِي الْعَوْجَاءِ قَدْ أَسْلَمَ فَقَالَ الْعَالِمُ عَ هُوَ أَعْمِي مِنْ ذَلِكَ لَأَسْلَمَ فَلَمَّا بَصَرَ بِالْعَالِمِ قَالَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ فَقَالَ لَهُ الْعَالِمُ عَ مَا جَاءَ بِكَ إِلَى هَذَا الْمَوْضِعِ فَقَالَ عَادَةُ الْجَسَدِ وَ سِنَّةُ الْبَلَدِ وَ لِنَنْظُرَ مَا النَّاسُ فِيهِ مِنَ الْجُنُونِ وَ الْهَلْخِ وَ رَمَى الْحِجَارَةَ فَقَالَ لَهُ الْعَالِمُ عَ أَنْتَ بَعْدَ عَلِيِّ عْتُوكَ وَ ضَلَّالِكَ يَا عَبْدَ الْكَرِيمِ

• فَذَهَبَ يَتَكَلَّمُ فَقَالَ لَهُ عِيسَى لَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَ نَفَضَ رِءَاؤَهُ مِنْ يَدِهِ وَقَالَ إِنْ يَكُنُ الْأَمْرُ كَمَا تَقُولُ وَ لَيْسَ كَمَا تَقُولُ نَجُونَا وَ نَجُوتَ وَ إِنْ يَكُنُ الْأَمْرُ كَمَا تَقُولُ وَ هُوَ كَمَا تَقُولُ نَجُونَا وَ هَلَكْتَ فَأَقْبَلَ عَبْدُ الْكَرِيمِ عَلِيٌّ مِنْ مَعَهُ فَقَالَ وَجَدْتُ فِي قَلْبِي حَزَاةً فَرَدُونِي فَرَدُوهُ فَمَاتَ لَا رَحْمَةَ لِلَّهِ

• ١٣ - ١٩٣ - ١ حدثني محمد بن جعفر الأسدي عن
 محمد بن إسماعيل البرمكي الرازي عن الحسين بن
 الحسين بن برد الدينوري عن محمد بن علي عن محمد
 بن عبد الله الخراساني خادم الرضا ع قال دخل رجل
 من الزنادقة علي أبي الحسن ع و عنده جماعة فقال أبو
 الحسن ع أيها الرجل أ رأيت إن كان القول قولكم و
 ليس هو كما تقولون ألسنا و إياكم شرعا سواء لا يضرنا
 ما صلينا و صمنا و زكينا و أقررنا فسكت الرجل

• ثُمَّ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عٍ وَ إِنْ كَانَ الْقَوْلُ قَوْلَنَا وَ هُوَ قَوْلُنَا أَلَسْتُمْ قَدْ هَلَكْتُمْ وَ نَجَوْنَا فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ أَوْ جَدَنِي كَيْفَ هُوَ وَ أَيْنَ هُوَ فَقَالَ وَيْلَكَ إِنَّ الَّذِي ذَهَبْتَ إِلَيْهِ غَلَطَ هُوَ أَيْنَ الْأَيْنَ بَلَا أَيْنَ وَ كَيْفَ الْكَيْفَ بَلَا كَيْفَ فَلَا يَعْرِفُ بِالْكِفُوفِيَّةِ وَ لَا بِالْيُونِيَّةِ وَ لَا يُدْرِكُ بِحَاسَةِ وَ لَا يُقَاسُ بِشَيْءٍ

مع الزنادقة

• فَقَالَ الرَّجُلُ فَإِذَا أَنَّهُ لَا شَيْءَ إِذَا لَمْ يُدْرِكْ بِحَاسَّةٍ مِنْ
 الْحَوَاسِيِّ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ ع وَيَلِكُ لِمَا عَجَزَتْ حَوَاسِكُ
 عَنْ إِدْرَاكِهِ أَنْكَرْتَ رَبَّوْبَيْتَهُ وَنَحْنُ إِذَا عَجَزَتْ حَوَاسِنَا
 عَنْ إِدْرَاكِهِ أَيَقْنَا أَنَّهُ رَبَّنَا بِخِلَافِ شَيْءٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ قَالَ
 الرَّجُلُ فَأَخْبِرْنِي مَتَى كَانَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ ع أَخْبِرْنِي
 مَتَى لَمْ يَكُنْ فَأَخْبَرَكَ مَتَى كَانَ

• قَالَ الرَّجُلُ فَمَا الدَّلِيلُ عَلَيْهِ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ ع إِنَّي لَمَّا
 نَظَرْتُ إِلَى جَسَدِي وَ لَمْ يُمْكِنِي فِيهِ زِيَادَةٌ وَ لَا نَقْصَانٌ
 فِي الْعَرَضِ وَ الطُّوْلِ وَ دَفَعُ الْمَكَارِهِ عَنْهُ وَ جَرَّ الْمَنْفَعَةَ
 إِلَيْهِ عَلِمْتُ أَنَّ لِهَذَا الْبَنِيَانِ بَانِيًا فَأَقْرَرْتُ بِهِ مَعَ مَا أَرَى
 مِنْ دَوْرَانِ الْفَلَكَ بِقُدْرَتِهِ وَ إِنْشَاءِ السَّحَابِ وَ تَصْرِيفِ
 الرِّيَاحِ وَ مَجْرَى الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ وَ النُّجُومِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ
 مِنْ الْآيَاتِ الْعَجِيبَاتِ الْمُبِينَاتِ عَلِمْتُ أَنَّ لِهَذَا مُقَدَّرًا وَ
 مُنْشَأً

• كِتَابُ التَّوْحِيدِ

• بَابُ حَدُوثِ الْعَالَمِ وَ إِيْتَابَاتِ الْمُحَدَّثِ

• ١١ - ١٨١ - ١ أَخْبَرَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ يُونُسِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ قَالَ لِي هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ **كَانَ بِمَصْرَ زَنْدِيقٌ** تَبْلُغُهُ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَشْيَاءُ فَخَرَجَ إِلَى الْمَدِينَةِ لِيُنَظِرَهُ فَلَمْ يَصَادِفْهَا

• وَ قِيلَ لَهُ إِنَّهُ خَارِجٌ بِمَكَّةَ فَخَرَجَ إِلَى مَكَّةَ وَ نَحْنُ مَعَ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ فَصَادَفْنَا وَ نَحْنُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الطَّوَافِ وَ
كَانَ اسْمُهُ **عَبْدَ الْمَلِكِ وَ كُنْيَتُهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ** فَضْرَبَ كَتْفَهُ كَتَفَ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَا اسْمُكَ فَقَالَ اسْمِي
عَبْدُ الْمَلِكِ قَالَ فَمَا كُنْيَتُكَ قَالَ كُنْيَتِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ لَهُ
أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فَمَنْ هَذَا الْمَلِكُ الَّذِي أَنْتَ عَبْدُهُ أَمْ مِنْ مَلُوكِ
الْأَرْضِ أَمْ مِنْ مَلُوكِ السَّمَاءِ وَ أَخْبَرَنِي عَنْ ابْنِكَ عَبْدِ اللَّهِ
السَّمَاءِ أَمْ عَبْدِ اللَّهِ الْإَرْضِ قُلْ مَا شِئْتَ تَخْصِمُ

• قَالَ هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ فَقُلْتُ لِلزَّنْدِيقِ أَمَا تَرُدُّ عَلَيْهِ قَالَ فَقَبِحَ قَوْلِي فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِذَا فَرَّغْتَ مِنَ الطَّوَافِ فَاتْنَا فَلَمَّا فَرَّغَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَتَاهُ الزَّنْدِيقُ فَقَعَدَ بَيْنَ يَدَيْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَنَحْنُ مُجْتَمِعُونَ عِنْدَهُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لِلزَّنْدِيقِ أَتَعْلَمُ أَنَّ لِلْأَرْضِ تَحْتًا وَفَوْقًا قَالَ نَعَمْ قَالَ فَدَخَلْتَ تَحْتَهَا قَالَ لَا قَالَ فَمَا يُدْرِيكَ مَا تَحْتَهَا قَالَ لَا أَدْرِي إِلَّا أَنِّي أَظُنُّ أَنَّ لَيْسَ تَحْتَهَا شَيْءٌ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فَالظَّنُّ عَجْزٌ لِمَا لَا تَسْتَيْقِنُ

• ثم قال أبو عبد الله أ فصعدت السماء قال لا قال أ فتدري ما فيها قال لا قال عجباً لك لم تبلغ المشرق و لم تبلغ المغرب و لم تنزل الأرض و لم تصعد السماء و لم تجز هناك فتعرف ما خلفهن و أنت جاحد بما فيهن و هل يجحد العاقل ما لا يعرف قال الزنديق ما كلمني بهذا أحد غيرك فقال أبو عبد الله ع فانت من ذلك في شك فلعله هو و لعله ليس هو فقال الزنديق و لعله ذلك

• فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَيُّهَا الرَّجُلُ لَيْسَ لِمَنْ لَّا يَعْلَمُ حُجَّةً
 عَلَيَّ مِنْ يَعْلَمُ وَلَا حُجَّةً لِلْجَاهِلِ يَا أَخَا أَهْلِ مِصْرَ تَفْهَمُ عَنِّي
 فَإِنَّا لَّا نَشْكُ فِي اللَّهِ أَبَدًا أَمَا تَرَى الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَاللَّيْلَ
 وَالنَّهَارَ يَلْجَانِ فَلَا يَشْتَبَهُانِ وَيَرْجِعَانِ قَدْ اضْطُرَّا لَيْسَ لَهُمَا
 مَكَانٌ إِلَّا مَكَانُهُمَا فَإِنْ كَانَا يَقْدِرَانِ عَلَيَّ أَنْ يَذْهَبَا فَلَمْ
 يَرْجِعَا وَإِنْ كَانَا غَيْرَ مُضْطَرِّينِ فَلَمْ لَّا يَصِيرُ اللَّيْلُ نَهَارًا وَ
 النَّهَارُ لَيْلًا اضْطُرَّا وَاللَّهُ يَا أَخَا أَهْلِ مِصْرَ إِلَيَّ دَوَامُهُمَا وَ
 الَّذِي اضْطُرَّهُمَا أَحْكَمُ مِنْهُمَا وَأكْبَرُ فَقَالَ الزَّنْدِيقُ صَدَقْتَ

• ثَمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا أَخَا أَهْلِ مِصْرَ إِنَّ الَّذِي تَذْهَبُونَ
إِلَيْهِ وَتُظَنُّونَ أَنَّهُ الدَّهْرُ إِنْ كَانَ الدَّهْرُ يَذْهَبُ بِهِمْ لَمْ يَأْتِ بِرَدِّهِمْ
وَإِنْ كَانَ يَأْتِي بِرَدِّهِمْ لَمْ يَأْتِ بِذَهَابِ بِهِمْ الْقَوْمُ مُضْطَرُونَ يَا أَخَا أَهْلِ
مِصْرَ لَمْ يَأْتِ بِرَفْعِ السَّمَاءِ مَرْفُوعَةً وَالأَرْضِ مَوْضُوعَةً - لَمْ يَأْتِ بِسُقُوطِ
السَّمَاءِ عَلَى الأَرْضِ لَمْ يَأْتِ بِتَنْحَدُرِ الأَرْضِ فَوْقَ طَبَاقِهَا وَ لَمْ يَأْتِ
بِإِتْمَاسِ كَانٍ وَ لَمْ يَأْتِ بِإِتْمَاسِكٍ مِنْ عَلَيْهَا قَالَ الزَّنْدِيقُ أَمْسَكَهُمَا اللَّهُ
رَبَّهُمَا وَ سَيِّدَهُمَا قَالَ فَأَمَّنَ الزَّنْدِيقُ عَلَى يَدِي أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

ع

مع الزنادقة

• فَقَالَ لَهُ حُمْرَانُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنْ آمَنْتَ الزَّنَادِقَةَ عَلَيَّ
 يَدِكَ فَقَدْ آمَنْتَ الْكُفَّارَ عَلَيَّ يَدِي أَيْبُكَ فَقَالَ الْمُؤْمِنُ
 الَّذِي آمَنْتَ عَلَيَّ يَدِي أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ اجْعَلْنِي مِنْ
 تِلْكَ مَذْتَكِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَا هِشَامُ بِنَ الْحَكَمِ خُذْهُ
 إِلَيْكَ وَعَلِّمْهُ فَعَلَّمَهُ هِشَامُ فَكَانَ مَعْلَمَ أَهْلِ الشَّامِ وَ أَهْلِ
 مِصْرَ الْإِيمَانِ وَ حَسَنَتِ طَهَارَتُهُ حَتَّى رَضِيَ بِهَا أَبُو عَبْدِ
 اللَّهِ

عبدالله بن عمرو دیصانی (یا دیسان)

- در مورد عبدالله بن عمرو دیصانی (یا دیسان) که با نام «ابن دیصانی» نیز شناخته می‌شود، اطلاعات تاریخی محدودی وجود دارد که عمدتاً از طریق منابع روایی و تاریخی شیعه و سنی به دست آمده است. خلاصه‌ای از آنچه درباره او می‌دانیم به شرح زیر است:

عبدالله بن عمرو ديسانی (يا ديسان)

- ۱. هویت و زمينه تاريخی
- نام: عبدالله بن عمرو ديسانی (يا ديسان).

عبدالله بن عمرو ديصانی (یا ديسان)

• لقب/نسب: «ديصانی» منسوب به «ابن ديصانه» است که نام یک فرد ملحد یا یک پیامبر دروغین در دوران جاهلیت بوده است. این نسبت نشان‌دهنده گرایش‌های الحادی یا زندقی اوست.

• دوره زندگی: او در نیمه دوم قرن دوم هجری قمری می‌زیسته و معاصر امام جعفر صادق (علیه السلام) و احتمالاً امام کاظم (علیه السلام) بوده است. شهرت اصلی او به دلیل مناظراتش با امام صادق (ع) است.

عبدالله بن عمرو ديصانی (یا دیسان)

- مکتب فکری: او از چهره‌های شاخص زندقه در آن دوره محسوب می‌شده است. «زندقه» در آن زمان معمولاً به افرادی اطلاق می‌شد که باورهای اسلامی را انکار می‌کردند و اغلب تحت تأثیر فلسفه‌های مادی‌گرایانه یونان، مانوی‌گری یا عقاید دوه‌گرایانه (ثنویت) قرار داشتند. او را یک ملحد مادی‌گرا (دهری) می‌دانستند که وجود خداوند، وحی و قیامت را انکار می‌کرد.

عبدالله بن عمرو ديصانی (یا ديسان)

- ۲. مناظرات با امام صادق (عليه السلام)
- شهرت اصلی ابن ديصانی به دلیل مناظرات و گفت‌وگوهای علمی با امام جعفر صادق (عليه السلام) است. این مناظرات در منابع معتبر شیعه مانند کتاب «توحید مفضل» و نیز کتاب «الاحتجاج***» طبرسی ثبت شده است.

عبدالله بن عمرو ديصانی (یا ديسان)

- امام صادق (ع) با استدلال‌های متقن و منطقی، به رد ادعاهای الحادی او می‌پرداخت. از مشهورترین موضوعات این مناظرات می‌توان به این موارد اشاره کرد:

عبدالله بن عمرو ديصانی (یا ديسان)

- انکار آفریدگار: ابن ديصانی جهان را قدیم می دانست و معتقد بود همه چیز به خودی خود و بدون نیاز به خالق به وجود آمده است.

عبدالله بن عمرو ديصانی (یا ديسان)

- استدلال با «طبایع»: او قائل بود که همه پدیده‌ها ناشی از «طبیعت» (مثلاً طبیعت آتش سوزاندن و طبیعت آب جاری شدن است) هستند و این طبیعت‌ها هستند که جهان را می‌گردانند.

عبدالله بن عمرو ديصانی (یا ديسان)

• پاسخ امام صادق (ع): امام در پاسخ به او استدلال‌های قاطعی درباره نظم و حکمت در آفرینش ارائه می‌داد. از جمله استدلال‌های معروف امام این بود که اگر طبیعت، فرمانروا باشد، باید در تمام موارد یکسان عمل کند؛ اما می‌بینیم که یک تخم مرغ، هم می‌تواند به مرغ تبدیل شود و هم به صورت خوراکی درآید. این تفاوت در نتایج، نشان‌دهنده مدبری حکیم است که طبیعت را به گونه‌ای خاص هدایت می‌کند.

عبدالله بن عمرو ديصانی (یا ديسان)

- این استدلال‌ها به «برهان التمانع» و «برهان نظم» مشهور هستند.

عبدالله بن عمرو دیصانی (یا دیسان)

- یکی از مشهورترین گفت‌وگوها زمانی است که ابن دیصانی از امام پرسید: «مرا به پروردگارم راهنمایی کن.» امام در پاسخ از او پرسیدند: «آیا سوار کشتی شده‌ای؟» وقتی او پاسخ مثبت داد، امام پرسیدند: «آیا برایت پیش آمده که کشتی در طوفان گیر کند و هیچ ناجی جز خود کشتی نداشته باشی؟» ابن دیصانی گفت: «بله.»

عبدالله بن عمرو ديصانی (یا ديسان)

• امام فرمودند: «آیا در آن لحظه حساس، احساس نمی‌کردی موجودی توانا هست که می‌تواند تو را از آن خطر نجات دهد؟» ابن ديصانی گفت: «بله.» امام صادق (ع) فرمودند: «آن موجود، خداوندی است که قادر به نجات است، در جایی که هیچ نجات‌دهنده‌ای نیست.» این استدلال به «برهان فطرت» یا «استدلال با درماندگی» معروف است.

عبدالله بن عمرو ديصانی (یا ديسان)

- ۳. جایگاه در منابع
- ابن ديصانی به عنوان نماد یک منکر خدا (ملحد) و نماینده جریان فکری قوی زندقه در عصر ائمه (ع) شناخته می‌شود.

عبدالله بن عمرو ديصانی (یا ديسان)

- مناظرات امام صادق (ع) با او، نمونه‌ای درخشان از روش عقلانی و استدلالی ائمه اطهار (ع) برای دفاع از مبانی اعتقادی اسلام در برابر شبهات فلسفی و الحادی است.

عبدالله بن عمرو ديصانی (یا ديسان)

- کتاب «توحيد مفضل» که حاصل گفت و گوی امام صادق (ع) با شاگردشان «مفضل بن عمر» است، در واقع پاسخی مفصل به شبهات ابن ديصانی و مانند او می باشد و در آن به تفصیل به نشانه های خداوند در آفرینش پرداخته شده است.

عبدالله بن عمرو دیصانی (یا دیسان)

- جمع بندی

- عبدالله دیصانی یک چهره ملحد و مادی گرا در دوران امامت امام صادق (ع) بود که با انکار خدا، به «طبیعت» به عنوان مدیر جهان معتقد بود. شهرت او نه به دلیل ساخت یک مکتب فلسفی ماندگار، بلکه به دلیل مناظرات شکست خورده اش با امام صادق (ع) است که در تاریخ ثبت شده و نشان دهنده عمق علمی امام و توانایی اسلام در پاسخگویی به هرگونه شبهه ای است.

• ١٤ - ١٩٥ - ١ علي بن إبراهيم عن محمد بن إسحاق الخفاف أو عن أبيه عن محمد بن إسحاق قال إن **عبد** **الله الديصاني** سأل هشام بن الحكم فقال له ألك رب فقال بلى قال أ قادر هو قال نعم قادر قاهر قال يقدر أن يدخل الدنيا كلها البيضة لا تكبر البيضة و لا تصغر الدنيا قال هشام النظره فقال له قد أنظرتك حولاً

• ثم خرج عنه فركب هشام إلى أبي عبد الله ع فاستأذن عليه
 فأذن له فقال له يا ابن رسول الله أتاني عبد الله الديصاني
 بمسألة ليس المعول فيها إلا على الله و عليك فقال له أبو
 عبد الله ع عما ذا سألك فقال قال لي كيت و كيت فقال أبو
 عبد الله ع يا هشام كم حواسك قال خمس قال أيها أصغر
 قال الناظر قال و كم قدر الناظر قال مثل العدسة أو أقل منها
 فقال له يا هشام فانظر أمامك و فوقك و أخبرني بما ترى
 فقال أرى سماء و أرضاً و دوراً و قصوراً و برارى و جبلاً و
 أنهاراً

مع الزنادقة

• فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ إِنَّ الَّذِي قَدَرَ أَنْ يَدْخَلَ الَّذِي
 تَرَاهُ الْعَدْسَةَ أَوْ أَقْلَ مِنْهَا قَادِرٌ أَنْ يَدْخَلَ الدُّنْيَا كُلَّهَا
 الْبَيْضَةَ لَا تَصْغُرُ الدُّنْيَا وَلَا تَكْبُرُ الْبَيْضَةُ فَكَبَّ هِشَامٌ عَلَيْهِ
 وَ قَبَلَ يَدَيْهِ وَ رَأْسَهُ وَ رَجْلَيْهِ وَ قَالَ حَسْبِيَ يَا ابْنَ رَسُولِ
 اللَّهِ وَ أَنْصَرَفَ إِلَى مَنْزِلِهِ وَ غَدَا عَلَيْهِ الدَّيْصَانِيُّ فَقَالَ لَهُ يَا
 هِشَامُ إِنِّي جِئْتُكَ مُسَلِّمًا وَ لَمْ أُجِئْكَ مُتَقَاضِيًا لِلْجَوَابِ
 فَقَالَ لَهُ هِشَامُ إِنَّ كُنْتُ جِئْتُ مُتَقَاضِيًا فَهَآكَ الْجَوَابُ

مع الزنادقة

• فَخَرَجَ الدَّيْصَانِيُّ عَنْهُ حَتَّى أَتَى بَابَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ
 فَاسْتَاذَنَ عَلَيْهِ فَأَذِنَ لَهُ فَلَمَّا قَعَدَ قَالَ لَهُ يَا جَعْفَرُ بْنُ
 مُحَمَّدٍ دَلَّنِي عَلَى مَعْبُودِي فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عِ مَا
 اسْمُكَ فَخَرَجَ عَنْهُ وَ لَمْ يَخْبِرْهُ بِاسْمِهِ فَقَالَ لَهُ أَصْحَابُهُ
 كَيْفَ لَمْ تَخْبِرْهُ بِاسْمِكَ قَالَ لَوْ كُنْتُ قُلْتُ لَهُ عَبْدَ اللَّهِ
 كَانَ يَقُولُ مِنْ هَذَا الَّذِي أَنْتَ لَهُ عَبْدٌ فَقَالُوا لَهُ عُدْ إِلَيْهِ وَ
 قُلْ لَهُ يَدُلُّكَ عَلَى مَعْبُودِكَ وَ لَأَيَسَّالَكَ عَنْ اسْمِكَ
 فَرَجَعَ إِلَيْهِ

مع الزنادقة

- فَقَالَ لَهُ يَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ دَلَّنِي عَلَى مَعْبُودِي وَ لَأَسْأَلَنِي عَنْ اسْمِي فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع اجْلِسْ وَإِذَا غُلَامٌ لَهُ صَغِيرٌ فِي كَفِّهِ بَيْضَةٌ يَلْعَبُ بِهَا فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع نَاوِلْنِي يَا غُلَامُ الْبَيْضَةَ فَنَاوَلَهُ إِيَّاهَا

• فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا دِيصَانِي هَذَا حَصْنٌ مَكْنُونٌ لَهُ
 جِلْدٌ غَلِيظٌ وَ تَحْتَهُ الْجِلْدُ الْغَلِيظُ جِلْدٌ رَقِيقٌ وَ تَحْتِ
 الْجِلْدِ الرَّقِيقِ ذَهَبٌ مَائِعَةٌ وَ فِضَّةٌ ذَائِبَةٌ فَلَا الذَّهَبُ الْمَائِعَةُ
 تَخْتَلِطُ بِالْفِضَّةِ الذَّائِبَةِ وَ لَا الْفِضَّةُ الذَّائِبَةُ تَخْتَلِطُ بِالذَّهَبِ
 الْمَائِعَةِ فَهِيَ عَلَى حَالِهَا لَمْ يَخْرُجْ مِنْهَا خَارِجٌ مُصْلِحٌ
 فَيُخْبِرُ عَنْ صَلَاحِهَا وَ لَا دَخَلَ فِيهَا مَفْسِدٌ فَيُخْبِرُ عَنْ
 فَسَادِهَا لَا يَدْرِي لِلذِّكْرِ خُلِقَتْ أَمْ لِلنَّائِثِ تَنْفَلِقُ عَنْ مِثْلِ
 أَلْوَانِ الطَّوَاوِيسِ أَ تَرَى لَهَا مُدْبِرًا

• قَالَ فَأُطْرِقَ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّكَ إِمَامٌ وَ حُجَّةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلَقَهُ وَ أَنَا تَائِبٌ مِمَّا كُنْتُ فِيهِ

• ١٥ - ١٩٨ - ١ علي بن إبراهيم عن أبيه عن عباس بن عمرو الفقيمي عن هشام بن الحكم في حديث الزنديق الذي أتى أبا عبد الله ع و كان من قول أبي عبد الله ع لا يخلو قولك إنهما اثنان من أن يكونا قديمين قوين أو يكونا ضعيفين أو يكون أحدهما

• قَوِيًّا وَ الْآخِرُ ضَعِيفًا فَإِنْ كَانَا قَوِيَيْنِ فَلَمْ لَّا يَدْفَعُ كُلُّ
 وَاحِدٍ مِنْهُمَا صَاحِبَهُ وَ يَتَفَرَّدُ بِالتَّدْبِيرِ وَ إِنْ زَعَمْتَ أَنْ
 أَحَدَهُمَا قَوِيٌّ وَ الْآخِرُ ضَعِيفٌ ثَبَتَ أَنَّهُ وَاحِدٌ كَمَا نَقُولُ
 لِلْعَجْزِ الظَّاهِرِ فِي الثَّانِي فَإِنْ قُلْتَ إِنَّهُمَا اثْنَانِ لَمْ يَخْلُ
 مِنْ أَنْ يَكُونَا مُتَّفَقَيْنِ مِنْ كُلِّ جِهَةٍ أَوْ مُتَفَرِّقَيْنِ مِنْ كُلِّ
 جِهَةٍ فَلَمَّا رَأَيْنَا الْخُلُقَ مُنْتَظِمًا وَ الْفَلَكَ جَارِيًا وَ التَّدْبِيرَ
 وَاحِدًا وَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ دَلَّ صِحَّةَ الْأَمْرِ
 وَ التَّدْبِيرِ وَ اتْتَلَفَ الْأَمْرُ عَلَى أَنَّ الْمُدْبِرَ وَاحِدٌ

• ثم يلزمك إن ادعيت اثنين فرجة ما بينهما حتى يكونا
 اثنين فصارت الفرجة ثالثا بينهما قديما معهما فيلزمك
 ثلاثة فإن ادعيت ثلاثة لزمك ما قلت في الاثنين حتى
 تكون بينهم فرجة فيكونوا خمسة ثم يتناهى في العدد
 إلى ما لا نهاية له في الكثرة

• قَالَ هِشَامُ فَكَانَ مِنْ سُؤَالِ الزَّنَدِيقِ أَنْ قَالَ فَمَا الدَّلِيلُ عَلَيْهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع وَجُودُ الْأَفَاعِيلِ دَلَّتْ عَلَيَّ أَنْ صَانِعًا صَنَعَهَا أَلَا تَرَى أَنَّكَ إِذَا نَظَرْتَ إِلَى بِنَاءٍ مُشِيدٍ مَبْنِيٍّ عَلِمْتَ أَنَّ لَهُ بَانِيًّا وَإِنْ كُنْتَ لَمْ تَرَ الْبَانِيَّ وَلَمْ تُشَاهِدْهُ قَالَ فَمَا هُوَ قَالَ شَيْءٌ بِخِلَافِ الْأَشْيَاءِ ارْجِعْ بِقَوْلِي إِلَى إِثْبَاتِ مَعْنِيٍّ وَ أَنَّهُ شَيْءٌ بِحَقِيقَةِ الشَّيْئِيَّةِ غَيْرَ أَنَّهُ لَا جِسْمَ وَلَا صُورَةَ وَلَا يَحْسَ وَلَا يَجِسُّ وَلَا يَدْرِكُ بِالْحَوَاسِّ الْخَمْسِ لَا تَدْرِكُهُ الْأَوْهَامُ وَلَا تَنْقُصُهُ الدَّهُورُ وَلَا تَغْيِرُهُ الْأَزْمَانُ

• ١٦ - ٢٠١ - ١ محمد بن يعقوب قال حدثني عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد البرقي عن أبيه عن علي بن النعمان عن ابن مسكان عن داود بن فرقد عن أبي سعيد

• الكافي (ط - الإسلامية)، ج ١، ص: ٨٢

• الزُّهْرِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ كَفَى لِأُولَى الْأَلْبَابِ بِخَلْقِ
الرَّبِّ الْمُسَخَّرِ وَ مُلْكِ الرَّبِّ الْقَاهِرِ وَ جَلَالِ الرَّبِّ الظَّاهِرِ
وَ نُورِ الرَّبِّ الْبَاهِرِ وَ بُرْهَانِ الرَّبِّ الصَّادِقِ وَ مَا أَنْطَقَ بِهِ
اللسن العباد وَ مَا أَرْسَلَ بِهِ الرُّسُلَ وَ مَا أَنْزَلَ عَلَى الْعِبَادِ
دَلِيلًا عَلَى الرَّبِّ

مع الزنادقة

كليني، ابو جعفر، محمد بن يعقوب، الكافي (ط - الإسلامية)، ٨ جلد، دار الكتب الإسلامية، تهران - ايران، چهارم، ١٤٠٧ هـ ق

الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ٥، ص: ٣٦٢

بَابُ فِيْمَا أَحَلَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ النِّسَاءِ

(١) عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ وَمُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ قَالَ سَأَلَ ابْنَ أَبِي الْعُجَّاءِ هِشَامَ بْنَ الْحَكَمِ فَقَالَ لَهُ أَلَيْسَ اللَّهُ حَكِيمًا قَالَ بَلَى وَهُوَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ قَالَ فَأَخْبَرَنِي عَنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ - فَأَنْكِحُوا إِمَّاتِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِثْنَى وَتِلْكَ آيَاتُ وَرَبِّ اعْرِضْ فَإِنْ حَفِظْتُمْ آلَ تَعْدَلُوا فَوَاحِدَةً أَلَيْسَ هَذَا فَرَضًا قَالَ بَلَى قَالَ فَأَخْبَرَنِي عَنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ

الكافي (ط - الإسلامية)، ج ٥، ص: ٣٦٣

أَيُّ حَكِيمٍ يَتَكَلَّمُ بِهَذَا فَلَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ جَوَابٌ فَرَجَلٌ إِلَى الْمَدِينَةِ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فَقَالَ يَا هِشَامُ فِي غَيْرِ وَقْتٍ حَجَّ وَ لَا عُمْرَةَ قَالَ نَعَمْ جُعِلَتْ فِدَاكَ لِأَمْرِ أَهْمَنِي إِنْ ابْنُ أَبِي الْعُجَّاءِ سَأَلَنِي عَنْ مَسْأَلَةٍ لَمْ يَكُنْ عِنْدِي فِيهَا شَيْءٌ قَالَ وَمَا هِيَ قَالَ فَأَخْبَرَهُ بِالْقِصَّةِ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ أَمَا قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ - فَأَنْكِحُوا إِمَّاتِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِثْنَى وَتِلْكَ آيَاتُ وَرَبِّ اعْرِضْ فَإِنْ حَفِظْتُمْ آلَ تَعْدَلُوا فَوَاحِدَةً يَعْنِي فِي النِّفْقَةِ وَأَمَا قَوْلُهُ - وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَذَرُوهُ كَالْمَعْلَقَةِ يَعْنِي فِي الْمَوَدَّةِ قَالَ فَلَمَّا قَدِمَ عَلَيْهِ هِشَامٌ بِهَذَا الْجَوَابِ وَأَخْبَرَهُ قَالَ وَاللَّهِ مَا هَذَا مِنْ عِنْدِكَ

كليني، ابو جعفر، محمد بن يعقوب، الكافي (ط - الإسلامية)، ٨ جلد، دار الكتب الإسلامية، تهران - ايران، چهارم، ١٤٠٧ هـ ق

الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ٧، ص: ٨٥

٢) عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النَّخَعِيِّ قَالَ سَأَلَ الْفَهْرَنَكِيُّ أَبَا مُحَمَّدٍ عَ مَا بَالُ الْمَرْأَةِ الْمُسْكِينَةِ الضَّعِيفَةِ تَأْخُذُ سَهْمًا وَاحِدًا وَ يَأْخُذُ الرَّجُلُ سَهْمَيْنِ فَقَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ عَ إِنَّ الْمَرْأَةَ لَيْسَ عَلَيْهَا جِهَادٌ وَ لَا نِفْقَةٌ وَ لَا عَلَيْهَا مَعْقَلَةٌ إِيْمًا ذَلِكَ عَلَى الرَّجَالِ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي قَدْ كَانَ قَبْلِي لِي ابْنُ أَبِي الْعُجَّاءِ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ فَأَجَابَهُ بِهَذَا الْجَوَابِ فَأَقْبَلَ أَبُو مُحَمَّدٍ عَ عَلَيَّ فَقَالَ نَعَمْ هَذِهِ الْمَسْأَلَةُ مَسْأَلَةُ ابْنِ أَبِي الْعُجَّاءِ وَ الْجَوَابُ مِنْهَا وَاحِدٌ إِذَا كَانَ مَعْنَى الْمَسْأَلَةِ وَاحِدًا جَرَى لِأَخْرَانَا مَا جَرَى لِأَوْلَانَا وَ أَوْلَانَا وَ أَخْرَانَا فِي الْعِلْمِ سَوَاءٌ وَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ فَضْلَهُمَا

كليني، ابو جعفر، محمد بن يعقوب، الكافي (ط - الإسلامية)، ٨ جلد، دار الكتب الإسلامية، تهران - ايران، چهارم، ١٤٠٧ هـ ق

الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ٧، ص: ٨٥

٣) عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنِ جَمَادِ عَنِ هِشَامِ عَنِ الْأَحْوَلِ قَالَ قَالَ لِي ابْنُ أَبِي الْعُجَّاءِ مَا بَالُ الْمَرْأَةِ الْمُسْكِينَةِ الضَّعِيفَةِ تَأْخُذُ سَهْمًا وَاحِدًا وَ يَأْخُذُ الرَّجُلُ سَهْمَيْنِ قَالَ فَذَكَرَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فَقَالَ إِنَّ الْمَرْأَةَ لَيْسَ عَلَيْهَا جِهَادٌ وَ لَا نِفْقَةٌ وَ لَا مَعْقَلَةٌ وَ إِنَّمَا ذَلِكَ عَلَى الرَّجَالِ وَ لِذَلِكَ جَعَلَ لِلْمَرْأَةِ سَهْمًا وَاحِدًا وَ لِلرَّجُلِ سَهْمَيْنِ

كليني، ابو جعفر، محمد بن يعقوب، الكافي (ط - الإسلامية)، ٨ جلد، دار الكتب الإسلامية، تهران - ايران، چهارم، ١٤٠٧ هـ ق

معرفی عدالت اسلامی در جهان

تأکید بر حکومت اخلاقی

ترویج احترام بین ادیان

حل منازعات و ایجاد صلح

قانون مداری

نمایش عملی

معرفی عدالت اسلامی به جهان

- حل منازعات و ایجاد صلح: برجسته کردن اصول اسلامی میانجیگری، آشتی و عدالت ترمیمی، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات و انسجام اجتماعی را تشویق می کند.

معرفی عدالت اسلامی به جهان

- با توجه به اینکه **عدالت یک ارزش محوری اسلامی و مطلوب فطری بشری** است، ارائه آن به عنوان مسیری به سوی صلح جهانی، انصاف و ثبات اجتماعی می تواند مخاطبان متنوعی را در سراسر جهان به طور مؤثر جذب کند.

وَ إِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا
 حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا
 إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ
 بَيْنَهُمَا إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا

حل منازعات بين گروه ها و جوامع اسلامی

وَ إِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا
فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى
الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى
أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ
وَ أَفْسِطُوا إِنْ أَلَّ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

مكارم الأخلاق فى السياسة الإسلامية

- الإمام على (ع) يوصى واليه على مصر مالك الأشر: "وأشعر قلبك الرحمة للرعية، والمحبة لهم، واللفظ بهم... فإنهم صنفان: إما أخ لك فى الدين، أو نظير لك فى الخلق". (نهج البلاغة، كتاب ٥٣، ص: ٣٦٧)

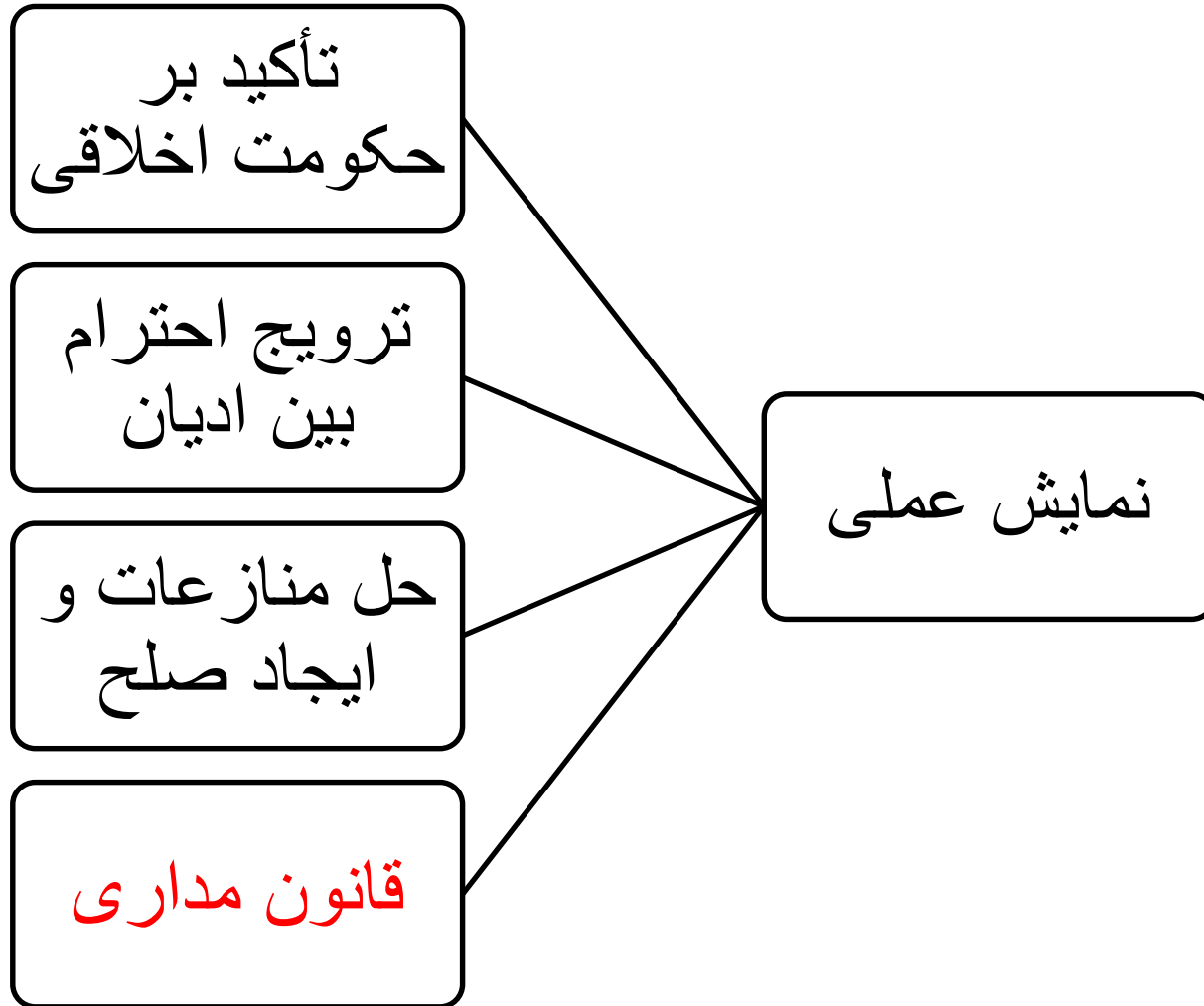
- فهذا تأكيد على أن العدل يشمل جميع الرعايا بغض النظر عن انتماءاتهم.

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ
 قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٣﴾

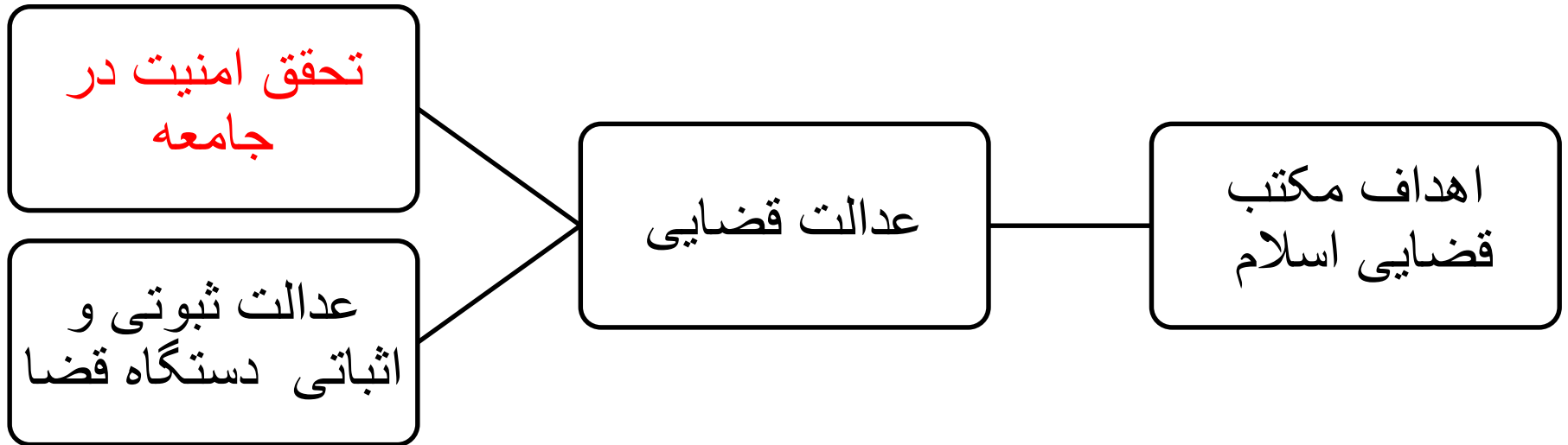
وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ
 فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٤﴾

وَ مَا يُلَاقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ مَا يُلَاقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ
 عَظِيمٍ ﴿٣٥﴾

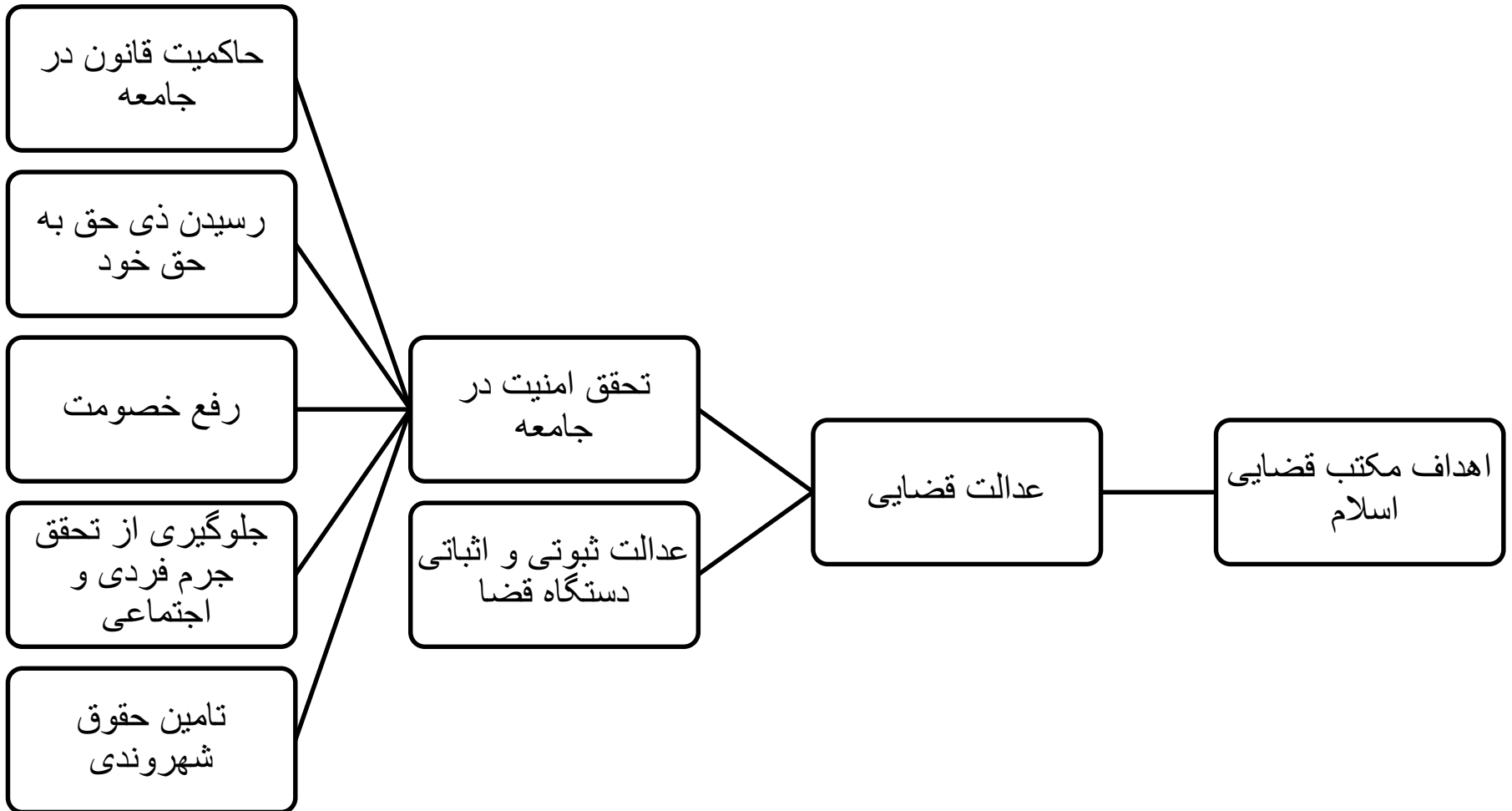
معرفی عدالت اسلامی در جهان



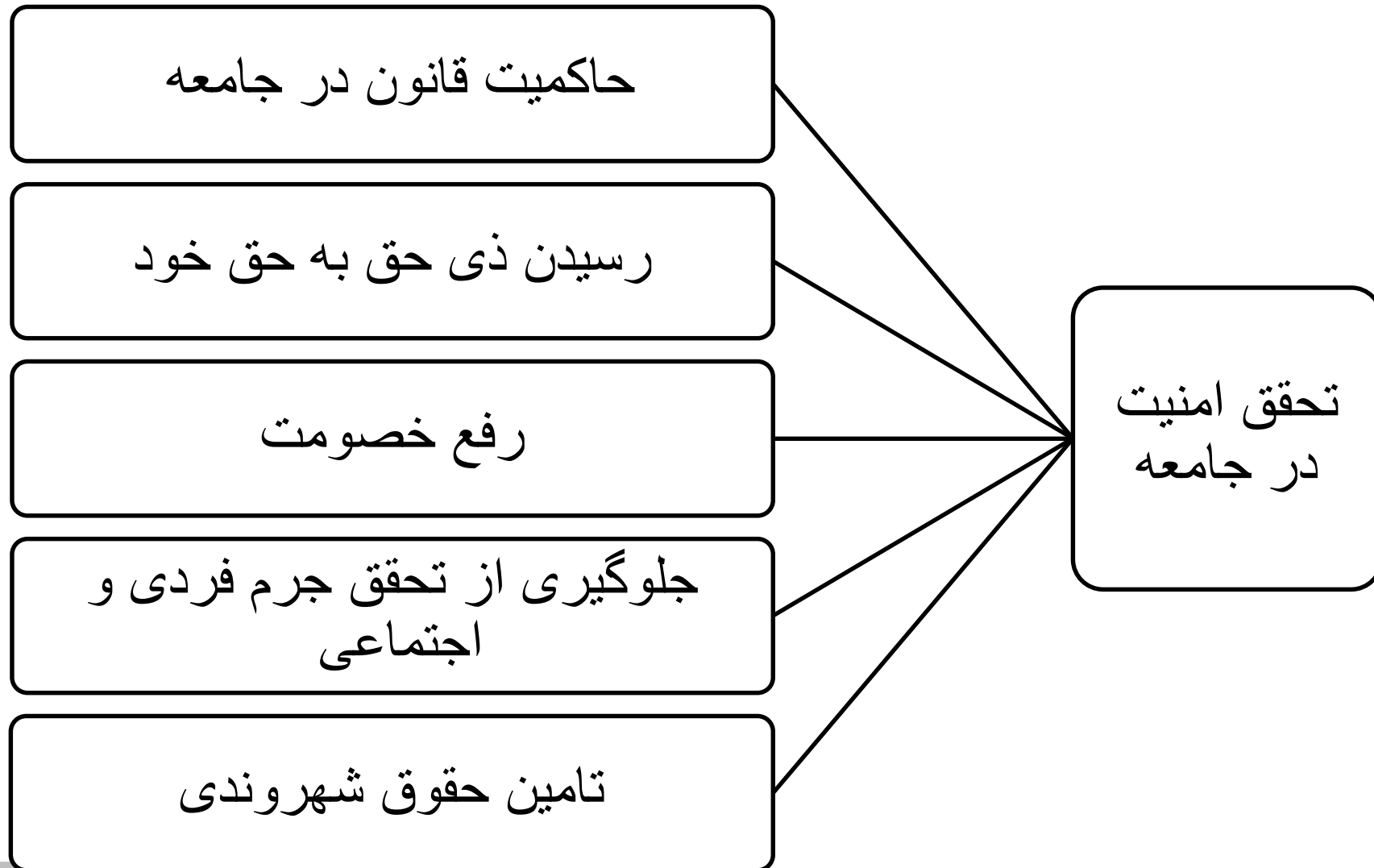
اهداف مكتب قضايي اسلام



اهداف مکتب قضایی اسلام



اهداف مکتب قضایی اسلام



اهداف مکتب قضایی اسلام

ضرورت
وجود قانون

حاکمیت قانون در جامعه

رسیدن ذی حق به حق خود

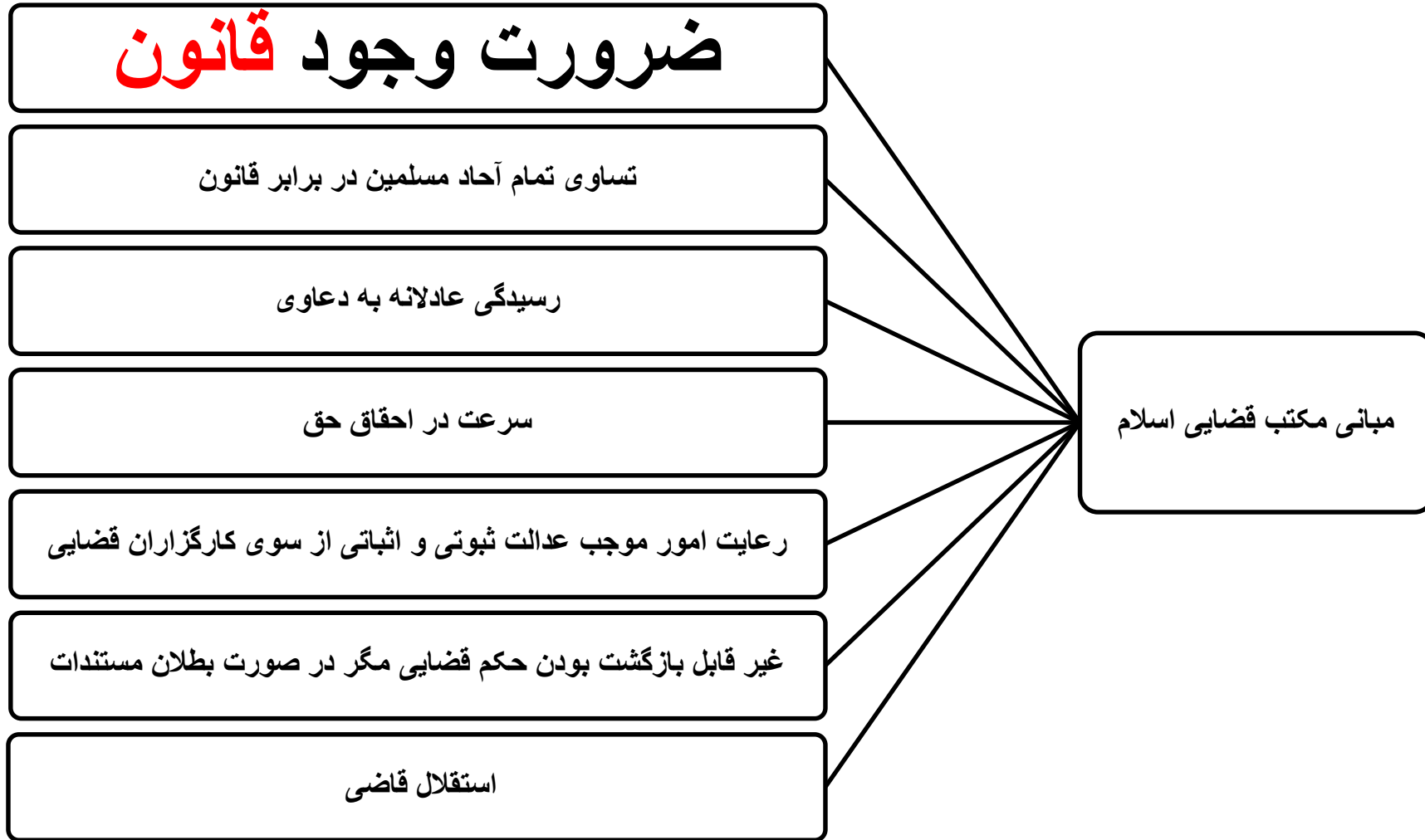
رفع خصومت

جلوگیری از تحقق جرم فردی و
اجتماعی

تامین حقوق شهروندی

تحقق امنیت
در جامعه

مبانی مکتب قضایی اسلام



پروژه عدالت جهانی

- ۱ | محدودیت‌های اختیارات دولت
- ۲ | فقدان فساد
- ۳ | دولت باز
- ۴ | حقوق اساسی
- ۵ | نظم و امنیت
- ۶ | اجرای مقررات
- ۷ | عدالت مدنی
- ۸ | عدالت کیفری

Overview of Overall Scores and Rankings

The table below shows the overall scores and rankings of the *WJP Rule of Law Index 2021* in alphabetical order. Scores range from 0 to 1, with 1 indicating the strongest adherence to the rule of law.

Country/Jurisdiction	Overall Score*	Change in Overall Score*	Global Rank	Change in Global Rank†	Country/Jurisdiction	Overall Score*	Change in Overall Score*	Global Rank	Change in Global Rank†
 Afghanistan	0.35	-0.01	134	1 ▼	 Dominica	0.58	0.00	53	0
 Albania	0.49	-0.01	83	2 ▲	 Dominican Republic	0.48	0.00	94	3 ▲
 Algeria	0.49	0.00	82	8 ▲	 Ecuador	0.48	0.00	92	1 ▲
 Angola	0.43	0.00	114	4 ▲	 Egypt, Arab Rep.	0.35	-0.01	136	0
 Antigua and Barbuda	0.63	0.00	39	2 ▲	 El Salvador	0.48	-0.02	95	4 ▼
 Argentina	0.56	-0.02	56	1 ▼	 Estonia	0.81	0.00	11	1 ▲
 Australia	0.79	-0.01	13	0	 Ethiopia	0.41	0.00	122	2 ▲
 Austria	0.81	0.00	9	0	 Finland	0.88	0.00	3	0
 The Bahamas	0.61	0.00	47	1 ▲	 France	0.72	-0.01	23	0
 Bangladesh	0.40	-0.01	124	1 ▲	 The Gambia	0.49	-0.02	89	8 ▼
 Barbados	0.65	0.00	35	1 ▲	 Georgia	0.61	0.00	49	0
 Belarus	0.48	-0.04	97	21 ▼	 Germany	0.84	0.00	5	1 ▲
 Belgium	0.79	0.00	14	2 ▲	 Ghana	0.55	-0.01	58	0
 Belize	0.48	0.00	93	3 ▲	 Greece	0.61	0.00	48	1 ▼
 Benin	0.49	-0.01	91	3 ▼	 Grenada	0.59	0.00	50	1 ▲
 Bolivia	0.39	0.00	129	2 ▲	 Guatemala	0.44	-0.01	109	0
 Bosnia and Herzegovina	0.52	0.00	72	1 ▼	 Guinea	0.41	-0.01	120	1 ▲
 Botswana	0.59	-0.01	51	1 ▼	 Guyana	0.50	0.00	78	2 ▲
 Brazil	0.50	-0.01	77	3 ▼	 Haiti	0.38	-	132	-
 Bulgaria	0.54	-0.01	62	2 ▼	 Honduras	0.39	-0.01	126	0
 Burkina Faso	0.50	0.00	75	2 ▲	 Hong Kong SAR, China	0.75	-0.02	19	0
 Cambodia	0.32	-0.01	138	0	 Hungary	0.52	-0.01	69	2 ▼
 Cameroon	0.35	-0.01	135	0	 India	0.50	-0.01	79	3 ▼
 Canada	0.80	-0.01	12	1 ▼	 Indonesia	0.52	-0.01	68	2 ▼
 Chile	0.66	-0.01	32	0	 Iran, Islamic Rep.	0.42	-0.01	119	0
 China	0.47	-0.01	98	2 ▼	 Ireland	0.81	-	10	-
 Colombia	0.49	-0.01	86	2 ▼	 Italy	0.66	0.00	34	0
 Congo, Dem. Rep.	0.35	0.00	137	0	 Jamaica	0.57	0.00	55	1 ▲
 Congo, Rep.	0.42	-	118	-	 Japan	0.79	0.01	15	2 ▲
 Costa Rica	0.68	-0.01	31	0	 Jordan	0.55	-0.02	59	2 ▼
 Côte d'Ivoire	0.45	-0.02	105	2 ▼	 Kazakhstan	0.52	0.00	66	3 ▲
 Croatia	0.61	-0.01	46	0	 Kenya	0.44	0.00	106	4 ▲
 Cyprus	0.68	-	28	-	 Korea, Rep.	0.74	0.00	20	0
 Czech Republic	0.73	0.00	22	1 ▼	 Kosovo	0.55	0.00	60	1 ▲
 Denmark	0.90	0.00	1	0	 Kyrgyz Republic	0.47	-0.02	99	4 ▼
					Latvia	0.71	-	24	-

Overview of Overall Scores and Rankings

The table below shows the overall scores and rankings of the *WJP Rule of Law Index 2024* in alphabetical order. Scores range from 0 to 1, with 1 indicating the strongest adherence to the rule of law.

Country/Jurisdiction	Overall Score*	% Change in Overall Score†	Global Rank	Change in Global Rank‡	Country/Jurisdiction	Overall Score*	% Change in Overall Score†	Global Rank	Change in Global Rank‡
 Afghanistan	0.32	-0.4%	140	0	 Dominica	0.58	-0.2%	53	0
 Albania	0.48	-0.3%	89	2 ▲	 Dominican Republic	0.49	1.1%	86	0
 Algeria	0.49	1.0%	84	0	 Ecuador	0.46	-2.0%	97	1 ▼
 Angola	0.43	0.3%	115	0	 Egypt, Arab Rep.	0.35	0.7%	135	1 ▲
 Antigua and Barbuda	0.64	0.3%	37	1 ▲	 El Salvador	0.43	-3.2%	111	3 ▼
 Argentina	0.55	0.0%	63	0	 Estonia	0.82	0.0%	10	1 ▼
 Australia	0.80	0.0%	11	2 ▲	 Ethiopia	0.37	-2.4%	130	1 ▼
 Austria	0.79	-0.8%	13	2 ▼	 Finland	0.87	0.0%	3	0
 The Bahamas	0.59	-0.6%	50	0	 France	0.72	-0.5%	22	1 ▼
 Bangladesh	0.39	0.3%	127	0	 Gabon	0.40	1.2%	122	2 ▲
 Barbados	0.66	0.2%	35	0	 The Gambia	0.49	0.4%	87	2 ▼
 Belarus	0.45	-1.2%	105	1 ▼	 Georgia	0.60	-1.3%	49	1 ▼
 Belgium	0.78	-0.3%	17	1 ▼	 Germany	0.83	0.0%	5	0
 Belize	0.50	0.7%	82	2 ▼	 Ghana	0.55	-0.3%	62	1 ▼
 Benin	0.48	-1.6%	93	3 ▼	 Greece	0.60	-0.6%	47	0
 Bolivia	0.37	-1.6%	131	0	 Grenada	0.60	-0.1%	48	1 ▲
 Bosnia and Herzegovina	0.52	1.1%	71	4 ▲	 Guatemala	0.44	1.3%	107	4 ▲
 Botswana	0.59	-0.6%	51	0	 Guinea	0.41	-0.5%	119	1 ▼
 Brazil	0.50	1.5%	80	3 ▲	 Guyana	0.50	-0.2%	77	1 ▼
 Bulgaria	0.56	0.3%	59	0	 Haiti	0.33	-2.6%	139	0
 Burkina Faso	0.46	-2.6%	98	3 ▼	 Honduras	0.42	1.1%	116	3 ▲
 Cambodia	0.31	-0.3%	141	0	 Hong Kong SAR, China	0.72	-0.6%	23	0
 Cameroon	0.36	0.9%	133	1 ▲	 Hungary	0.51	-0.4%	73	0
 Canada	0.80	-0.3%	12	0	 India	0.50	0.8%	79	0
 Chile	0.66	-0.7%	36	3 ▼	 Indonesia	0.53	-0.9%	68	2 ▼
 China	0.47	1.2%	95	2 ▲	 Iran, Islamic Rep.	0.39	0.0%	128	2 ▼
 Colombia	0.48	-0.2%	91	3 ▲	 Ireland	0.82	1.0%	9	1 ▲
 Congo, Dem. Rep.	0.34	-0.4%	136	2 ▲	 Italy	0.66	-0.8%	32	0
 Congo, Rep.	0.40	0.4%	121	1 ▲	 Jamaica	0.57	-0.7%	54	0
 Costa Rica	0.68	-1.0%	29	0	 Japan	0.79	0.1%	14	0
 Côte d'Ivoire	0.45	0.4%	104	2 ▲	 Jordan	0.55	0.0%	61	1 ▲
 Croatia	0.61	-0.5%	45	0	 Kazakhstan	0.54	0.5%	65	0
 Cyprus	0.67	-0.8%	31	0	 Kenya	0.45	-0.7%	102	1 ▼
 Czechia	0.74	1.0%	20	0	 Korea, Rep.	0.74	0.5%	19	0
 Denmark	0.90	0.0%	1	0	 Kosovo	0.56	-0.5%	58	0
					 Kuwait	0.58	-0.2%	52	0